

جایگاه مسأله آب هیرمند در مناسبات ایران و افغانستان در دوره رضاشاه*

داریوش رحمانیان^۱ فضل‌الله براقی^۲

چکیده

مسأله آب هیرمند در مناسبات ایران و افغانستان در سده اخیر همواره مشکل‌ساز بوده و هنوز به‌طور کامل حل و فصل نشده است. مسأله با حکمیت گلداسمید در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ م) آغاز شد. در دوره رضاشاه مذاکرات از سال ۱۳۱۰ شمسی آغاز و در سال ۱۳۱۷ به توافق‌نامه انجامید. دولت ایران و مجلس شورای ملی و دولت افغانستان قرارداد و اعلامیه منضم را تصویب کردند. اما مجلس شورای ملی افغانستان به‌رغم تصویب قرارداد، اعلامیه منضم را رد کرد. با این که درباره مسأله آب هیرمند در دوره رضاشاه داده‌های گوناگونی در منابع وجود دارد و در پاره‌ای از نوشته‌های پژوهشی نیز به جوانبی از این مسأله پرداخته شده است، اما جای یک پژوهش جامع، کامل و مستند در ادبیات پژوهشی مربوط به موضوع خالی است. مقاله حاضر ضمن ارائه یک شرح دقیق، مستند و کوتاه درباره زمینه و پیشینه تاریخی مسأله و ایضاً جوانب گوناگون آن در دوره رضاشاه، بر اساس اسناد منتشر نشده وزارت خارجه ایران در پی پاسخ به این سؤال است که چرا و چگونه مسأله آب هیرمند در این دوره به نتیجه قطعی نرسید؟ عوامل متعددی در عدم به نتیجه رسیدن مسأله آب هیرمند دخیل بود که مهم‌ترین آنها سوءظن افغان‌ها و پایبند نشدن به تعهد استفاده بیش از اندازه از آب هیرمند در بالای بند کمال‌خان است. واژگان کلیدی: رودخانه هیرمند، سیستان، قرارداد ۱۳۱۷، مذاکرات مستقیم، سیاست حسن همجواری.

A historical overview of the importance of the Helmand River in bilateral relationships between Iran and Afghanistan

Darioush Rahmanian³

Fazlallah Boraghi⁴

Abstract

The problem of the Helmand River has constantly been considered as the main cause of struggle between Iran and Afghanistan over the recent century, and it has not yet completely resolved. The problem was commenced in 1872A.D./1289A.H. with the arbitration of Goldsmid. During the age of Rezakhan's ruling, negotiations began in 1310 which resulted in signing of the 1317 Treaty. The Iranian government and national council assembly as well as the Afghan government approved the treaty and the additional announcement, while the latter was rejected by Afghanistan's national council assembly. Although there exists a variety of information respecting the issue of the Helmand River in Rezakhan's era and some aspects of this question have been considered in the research literature, it is highly required to conduct a comprehensive, complete and documented research in this regard. This article, which is based on the unpublished documents of Iran's foreign ministry, offering a meticulous, substantiated and abridged description with regard to historical background of the issue and expounding its various facets, is devoting effort to find an answer to the question that why and how the problem of the Helmand River did not lead to a decisive conclusion in the mentioned period. A multitude of reasons were implicated in not finding a solution to the problem of the Helmand River, among which Afghans' suspicion and their lack of commitment to the exploitation of the Helmand River over Kamalkhan's dam is of dramatic significance.

Keywords: the Helmand River, Sistan, Treaty of 1317, direct negotiations, good neighbor policy.

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۱۸

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

3. Assistant Professor, Department of History Tehran University. Email: rahmanian@ut.ac.ir

4. Ph.D Student in History, Tehran University. Email: fboraghi@gmail.com.

مقدمه

همانگونه که آب باعث شکل‌گیری و تکوین تمدن‌ها شده‌است، فقدان آن در نتیجه شرایط و تحولات اقلیمی، سبب نابودی و ویرانی تمدن‌های بزرگ شده‌است؛ نمونه بارز آن در ارتباط با پژوهش حاضر، در سیستان اتفاق افتاده‌است که در پی تغییر بستر رود هیرمند، خشکسالی‌ها و ویران شدن سدها در طی جنگ‌ها و بر اثر طغیان‌ها، تمدن‌های دهانه آن فراز و فرود بسیار داشته‌اند.^۵ سیاحان و مأموران بریتانیایی مانند گلداسمید، مکماهون، تیت، بیت، لندور و... در گزارش‌ها و کتاب‌های خود مفصل به وسعت و عظمت خرابه‌های به‌جا مانده از آن تمدن‌ها پرداخته‌اند و در کاوش‌های باستان‌شناختی نیز بازشناسی شده‌اند.^۶

پیش از تقسیم سیستان در نتیجه حکمیت گلداسمید در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ م) و سپس با تغییر بستر رود هیرمند در سال ۱۳۱۳ ق (۱۸۹۶ م) که منجر به حکمیت مکماهون در ۱۳۲۳ قمری (۱۹۰۵ م) شد، مسأله آب هیرمند موضوعیت نداشت، زیرا سیستان یکپارچه و یکدست بود و ساکنان آن در دو طرف رود بر اساس عرف و رسم معمول از آب رود هیرمند برای مصارف کشاورزی و آشامیدنی خود استفاده می‌کردند. با تقسیم سیستان و انضمام نیمی از آن به افغانستان، ساکنان می‌دانستند به یکباره از هم جدا افتاده در دو سوی مرزهای سیاسی قرار گرفتند و از این زمان بر سر نحوه استفاده از آب هیرمند دچار اختلاف شدند. درگیری‌های محلی بر روابط دو کشور همسایه تأثیر گذاشت و با وجود مذاکرات و توافق‌های دو کشور در مقاطع مختلف تاریخی هنوز مسأله آب محل اختلاف است و دیپلمات‌ها از آن به «استخوان لای زخم»^۷ تعبیر کرده‌اند. آنچه که بر اهمیت حیاتی و استراتژیک مسأله آب در دو کشور می‌افزاید، واقع بودن منطقه مورد

۵. گاه این ویرانی‌ها به دلیل طغیان‌ها بوده است و یا به دلیل خشکسالی‌ها که نمونه‌اعلای آن در تمدن شهرسوخته اتفاق افتاد. نک: سیدمنصور سیدسجادی، شهرسوخته (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۹)؛ در کتاب تاریخ سیستان نمونه‌های بسیاری از این مورد بیان شده‌است و در آثاری مانند *احیاءالملوک* نیز چنین است. برای بررسی نمونه‌هایی مانند دوره تیموریان، نک: ملک‌شاه حسین سیستانی، *احیاءالملوک*، تصحیح منوچهر ستوده (تهران: نگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۴)، ص ۱۱۵ - ۱۱۳.

A. Henry. Savage, Landor, Across coveted lands or a journey from flushing (Holland) to Calcutta, overland. Vol II, (London: Macmillan, 1902), p. 220.

6. Frederick, Goldsmid, Eastern Persia, account of the journeys of the Persian boundary commission 1870 - 71 - 72, vol 1(London: Macmillan, 1876), pp286 - 287. Henry, McMahon (sep1906), Recent survey and exploration in sistana, the geographical journal, No3.vol xxviii, pp218 - 223. landor, vol II, pp 205 - 276.

جی.پی.تیت، سیستان، با کوشش غلامعلی رئیس‌الذاکرین (مشهد: انتشارات اداره حفظ و میراث فرهنگی، ۱۳۶۲)، ص ۸۴ -

۷۶. چارلز ادوار بیت، *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری (تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵)، ص ۸۹ و

۹۷.

۷. *خاطرات محمود فروغی*، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۶.

مناقشه در یک حوضه جغرافیایی نیمه خشک و حاره‌ای است که بیابان‌ها و صحراهای بزرگی چون دشت مرگو (مرگ)، دشت ناامید و ریگستان در مجاورت آن هستند و باد ۱۲۰ روزه سیستان نیز در تبخیر بیشتر آب مؤثر است.^۸ در حوضه جغرافیایی ایران روستاهای جنوبی، مرکزی و شرقی مناطقی کم‌آب هستند. کمبود آب در این آبادی‌ها مانع اصلی توسعه کشاورزی است. نقش آب در زراعت مناطق مزبور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و تجمع و سکونت روستاییان بدین عامل حیاتی وابسته است. کمیت و کیفیت محصول در این مناطق هم تابعی است از متغیر آب و به عبارت دیگر میزان بازدهی زمین و انتخاب نوع کشت با کمیت آب ارتباط مستقیمی دارد.^۹ مناطق کم باران شرقی ایران، بخش وسیعی از بیابان‌های ایران را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که از کم‌ترین باران و شدیدترین دما و تبخیر آب برخوردارند. اما در این میان، سیستان استثنا است؛ رودخانه پرآب هیرمند پس از طی مسافتی در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر، با گذر از صحراها و ریگستان، دلتای حاصلخیزی را در آن منطقه به‌وجود آورده که در نهایت به دریاچه هامون می‌ریزد^{۱۰} که آن نیز همانند هیرمند نقش مهمی را در طبیعت و اقلیم، اقتصاد و زندگی مردم سیستان و جلوگیری از گسترش کویر ایفا می‌کند. بنابراین حیات سیستان بستگی بسیار به رود هیرمند دارد. حتی بنا بر پاره‌ای گزارش‌ها در یکصد سال پیش، مردم سیستان و امیر حشمت‌الملک برای آب گوارای هیرمند خواص دارویی قائل بودند.^{۱۱} آنچه که ضرورت چنین پژوهش‌هایی را دوجندان می‌کند این است که مسأله آب همچنان به‌طور کامل حل و فصل نشده و مذاکرات میان نمایندگان دو طرف همچنان جریان دارد و می‌تواند لایه‌های نهفته و ظریف در عدم به نتیجه رسیدن مذاکرات را آشکار کند. اطلاع از بسیاری از زوایای فراموش شده این مسأله در این دوره تاریخی شاید بتواند افکار عمومی جامعه را به این موضوع در

۸. اویگن. کا کمپف، «تحقیقات زمین‌شناسی دوره چهارم در سیستان»، *افغانستان مروری بر نشست مانهایم*، ترجمه سید محسن محسنیان (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱)، ص ۱۴۷ - ۱۴۷. مهدی شاهرخی، *جغرافیای کشاورزی و اقتصادی استان سیستان و بلوچستان*، ج اول (تهران: اداره کل کشاورزی سیستان و بلوچستان وزارت کشاورزی و طبیعی، ۱۳۵۱)، ص ۳۶.

۹. جواد صفی‌نژاد، *بنه (تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳)*، ص. نه. اریک ج. هوگلاند، *زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰ - ۱۳۴۰*، ترجمه فیروزه مهاجر (تهران: شیرازه، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۸.

۱۰. مونت استوارت الفنتون، *افغانان (گزارش سلطنت کابل)* ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چ سوم، ۱۳۸۸)، ص ۱۲۴ و ۵۵۹. وزارت اطلاعات کلتور، *سوابق اسناد موضوع آب از رود هلمند (کابل: اداره نشر ارتباط عامه، ۱۳۵۲)*، ص ۲. پیروز مجتهدزاده، *امیران مزدار و مرزهای خاوری ایران*، ترجمه جمیدرضا ملک محمدی نوری (تهران: انتشارات شیرازه ۱۳۷۸)، ص ۸۷؛ کمپف، ص ۱۴۸. حمیدالله امین، *نظری به جغرافیای زراعتی افغانستان (کابل: دیپوهنی مطبعه، ۱۳۵۲)*، ص ۲۴. محمد اکبر شورماچ (نورستانی)، *جغرافیای عمومی افغانستان (کابل: انتشارات زوری، ۱۳۵۰)*، ص ۹۳.

11. landor,1902,pp183,188.

این نقطه مرزی کشور متوجه کند و این نکات پنهان و مهم برای متولیان امر و مذاکره‌کنندگان مفید و سودمند باشد. مسأله آب تنها زمانی در رسانه‌ها و در میان مردم بازتاب داشته که سیستان با خشکسالی و کم‌آبی گسترده دست به گریبان بوده و مشکلات ناشی از آن بر مناسبات دو کشور هم اثرات سوء داشته و اظهارنظرهای احساسی و به دور از منطق، سبب سوءتفاهم و کدورت طرفین شده‌است. نمونه بارز آن، اظهار نظر عبدالله عبدالله وزیر خارجه وقت افغانستان، است که باز کردن آب رود هیرمند به سیستان را نوعی کمک انسان دوستانه و بشردوستانه به مردم سیستان قلمداد کرد و مطبوعات ایران به آن واکنش تندی نشان دادند.^{۱۲}

درباره مناسبات ایران و افغانستان، تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده که در خلال آن به مسأله آب هیرمند در مقاطع مختلف تاریخی پرداخته شده‌است. تعدادی از کتاب‌ها به بررسی روابط ایران و افغانستان پرداخته‌اند که همچنین مسأله مورد نظر را در برمی‌گیرد. از جمله می‌توان به آثار مهدی فرخ، احمد توکلی، محمدعلی بهمنی قاجار، یوسف متولی حقیقی، پیروز مجتهدزاده، محمدعلی منصف، جمیله روح زنده اشاره کرد. پژوهش‌هایی هم بطور مشخص به مسأله آب هیرمند پرداخته‌اند؛ محمدتقی رخشانی بر اساس اسناد موجود در استانداری سیستان و بلوچستان، فریدون زند دیپلمات وزارت خارجه و کارشناس پرونده هیرمند و رباب حسینی در مقالاتی مسأله را بررسی کرده‌اند. *خاطرات محمود فروغی و یادداشت‌های اسدالله علم* نیز بسیار راهگشا هستند.

در مقاله حاضر تلاش شده‌است که بر اساس اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه با تفصیل و به‌طور مستند و با نگاه جامع‌تری مسأله آب در دوره رضاشاه مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش در پاسخ به این سؤال است که چرا و چگونه مسأله آب پس از هشت سال مذاکره مداوم و توافق میان دو دولت به نتیجه قطعی نرسید و عملی نشد؟ پاسخ به این سؤال، عوامل و دلایل متعددی را در برمی‌گیرد؛ عوامل طبیعی و شرایط اقلیمی، بی‌اعتمادی میان دو کشور، سوءظن شدید افغان‌ها به ایران برای مداخله در امور داخلی کشورشان، برنامه بلندمدت افغان‌ها برای اجرای پروژه بلندمدت و پرخرج آبیاری و عمرانی «وادی هلمند و ارغنداب»، بالادست بودن افغان‌ها در رودخانه هیرمند و باور و اصرار آنها بر داخلی بودن رود هیرمند و حق مشروع آنها بر استفاده کامل از آب آن با تکیه بر فقه حنفی. در این میان مهم‌ترین علت‌ها، سوءظن شدید افغان‌ها نسبت به مداخله ایران در امور داخلی افغانستان به بهانه بازدید از محل‌های اندازه‌گیری و محل تقسیم آب و نیز ندادن تعهد به

۱۲. حمید ضیایی‌پور، «آب هیرمند و سخنی با عبدالله عبدالله»، *روزنامه خراسان*، شنبه ۴/۱۳۸۱/۸؛ مسعود سیفی‌اعلا، «هیرمند، ما و افغانستان»، *روزنامه آسیا*، ۲۹/۱۳۸۱/۸؛ حمید حسینی، «مائیم و یک هیرمند که آن هم آب ندارد»، *روزنامه آسیا*، ۲۳/۱۳۸۱/۸.

عدم استفاده بیش از حد در بالای بند کمال خان به بهانه تکراری بودن اعلامیه بود. این مقاله دوره حکومت رضاشاه در ایران را شامل می‌شود که با حکومت‌های امان‌الله خان، محمدنادرشاه و هشت سال از سلطنت محمدظاهرشاه در افغانستان همزمان است.

دوره امان‌الله خان

سرزمینی که افغان‌ها در آن سکونت دارند، از آغاز حکومت دوست محمدخان و به‌خصوص پس از جنگ دوم افغان‌ها با بریتانیا و انعقاد عهدنامه گندمک در ۴ جمادی الثانی ۱۲۰۴ قمری (۲۶ مه ۱۷۸۹ م)^{۱۳} تا عهدنامه پاریس در سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۵۷ م)، اگرچه بخشی از ایران بود، اما امپراتوری هند بریتانیا بر آن سلطه داشت و به عبارتی تحت‌الحمايه آن امپراتوری بود.^{۱۴} دولت افغانستان با حمایت کامل امپراتوری بریتانیا و با استفاده از شرایط بازی بزرگ میان دو ابرقدرت بریتانیا و روسیه،^{۱۵} موفق شد در ازای نقش سپهر (حایل) دفاعی در برابر روسیه تزاری ابتدا در طی عهدنامه پاریس هرات را از ایران جدا کرده استقلال خود را بدست آورد.^{۱۶} در نتیجه حکمیت گلداسمید در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ م)، بیش از نیمی از سیستان به وسعت ۴۱۵۹ مایل مربع معادل ۱۰۶۴۷/۴ کیلومتر مربع به افغانستان و ۲۸۴۸ مایل مربع معادل ۷۲۹۰/۸۸ کیلومتر مربع به ایران واگذار شد.^{۱۷}

۱۳. میر محمد صدیق فرهنگ، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، ج ۲ (تهران: عرفان، ۱۳۷۴)، ص ۱۰۰۲ - ۱۰۰۰.

۱۴. لودویگ آدامک، *تاریخ روابط سیاسی افغانستان (در نیمه نخست سده بیستم)*، ترجمه محمدفاضل صاحبزاده (پاریس: بنگاه انتشارات پاییز، چ دوم، ۱۳۸۴)، ص ۷۸؛ غلام سخی مصئون، *روابط بین‌المللی افغانستان از نگاه حقوق عمومی بین‌الدول* (کابل: انتشارات زروی، ۱۳۵۴)، ص ۱۳ - ۱۲.

15. Ayesha, Jalal, "Towards the Baghdad pact: south Asia and middle east in the cold war, 1947 - 1955," the international history review, vol XI (3 august 1989), p. 411; Gordon Martel, "Notes, documents, and bibliographies, documenting the great game: "world policy" and the turbulent frontier," in the 1890s," the international history review, Vol II, 1980, pp. 289 - 292.

سر پرسی سایکس، *ده هزار مایل در ایران (سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس)*، ترجمه حسین سعادت نوری (تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶)، ص ۳۷۷ - ۳۷۶. آتونی وین، *ایران در بازی بزرگ*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۳)، ص ۹۵ - ۹۱. پیروز مجتهدزاده، *بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان*، ترجمه عباس احمدی (تهران: معین، ۱۳۸۶)، ص ۳۲ - ۲۳.

۱۶. محمدتقی سپهر (لسان‌الملک)، *ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه*، ج سوم (تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳)، ص ۳۳۰ - ۳۳۶. مجتهدزاده، *بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان*، ص ۲۲۶ - ۲۳۴. جمیله روح‌زنده، *گذری بر تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان* (تهران: صبحدم، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۴ - ۹۸.

۱۷. یوسف متولی حقیقی، *افغانستان و ایران (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳)*، ص ۲۸۴ - ۲۸۳؛ محمدعلی بهمنی قاجار، *ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی* (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۵)، ص ۱۹۳؛ میرحسین شاه «وگتای و ایالت جنوب غربی افغانستان»، *آریانا* سال شانزدهم، شماره هفتم (اول اسد ۱۳۳۷)، ص ۴۹؛ روح‌زنده، ص ۱۲۱ - ۱۱۴.

با حکمیت مکماهون حدود مرزی دو کشور، نقشه‌برداری و مساحی شد و خطی مرزی از کوه ملک سیاه تا سیاه کوه (کوه سیاه) به طول ۹۰ مایل/۲۸۲ کیلومتر مربع تعیین گردید.^{۱۸}

با آغاز حکومت امان‌الله‌خان، وی برخلاف اسلاف خود، اساس سیاست خود را بر استقلال کامل از بریتانیا قرار داد و به این واسطه توانست محبوبیتی میان مردم به‌دست آورد که منجر به جنگ سوم افغان‌ها با بریتانیا شد و با وجود شکست افغان‌ها در بسیاری از جبهه‌های جنگ، در طی قرارداد کابل در ۱۲۹۸ شمسی (۱۹۱۹م) و سپس قرارداد راولپندی در ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۱م) استقلال خود را کسب کردند.^{۱۹} در سوی دیگر در ایران، رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ شمسی قاجاریه را منقرض و سلسله پهلوی را بنیان نهاد. این تحول می‌توانست نقطه عطفی در مناسبات دو کشور باشد. اما خاطره تاریخی افغان‌ها از حاکمیت دولت‌های ایران در دوران گذشته و ترس و نگرانی دائمی افغان‌ها از اعمال حاکمیت دوباره ایران بر هرات و نواحی غربی کشور، سبب دوری افغان‌ها از ایران و نزدیکی آنها به ترکیه و انعقاد قرارداد دفاعی شد.^{۲۰} تنفر افغان‌ها از بریتانیا نیز سبب نزدیکی به شوروی کمونیست و ابتدا انعقاد قرارداد تجاری و سپس انعقاد قرارداد بیطرفی و عدم تعرض شد.^{۲۱} این تضاد و تناقض در سیاست خارجی تا پایان حکومت وی اساس سیاست دولت افغانستان را تشکیل می‌داد. از سوی دیگر رضاشاه برای کاهش و رهایی از وابستگی سیاسی و اقتصادی به روسیه و بریتانیا، سیاست حسن همجواری در قبال همسایگان مسلمان خود را در پیش گرفت تا به یک منبع جدید قدرت اتکا کند. شرایط جهانی پس از جنگ جهانی اول نیز فرصت مناسب را در اختیار ایران و دیگر همسایگانش فراهم کرد. تا پیش از دوره رضاشاه، فقدان یکپارچگی ملی مانع بسیاری از تصمیمات سیاست خارجی ایران شد. سیاست دولت رضاشاه نسبت به دیگر کشورها

۱۸. محمدعلی مخبر، مرزهای ایران (تهران: چاپخانه کیهان، ۱۳۲۴)، ص ۳۱ - ۲۹؛ شورماچ، ص ۱۳؛ روح‌زنده، ص ۱۴۱ - ۱۳۶. R.M. Burrell, *Iran political diaries*, Vol 2 (Oxford: Archive Editions, 1997), p94.

۱۹. لودویگ آدامک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان (از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال)، ترجمه علی محمد زهما (کابل: بنگاه انتشارات میوند، کتابخانه سبا، ۱۳۴۹)، ص ۲۰۸ - ۱۳۳؛ سید رسول، نگاهی به عهد سلطنت امانی (پیشاور: سبا کتابخانه، ۱۳۶۳)، ص ۵۲ - ۱۷.

۲۰. مهدی فرخ، نظری به مشرق، ج اول (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۴)، ص ۳۹۴. محمدعلی فروغی، «مسافرت امان‌الله‌خان پادشاه افغانستان به ایران»، مجله نیما سال اول، شماره ششم (شهریور ۱۳۲۷)، ص ۲۸۳ - ۲۸۰؛ حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸)، ص ۲۹۲.

۲۱. آدامک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان (در نیمه نخست سده بیستم)، ص ۱۰۲؛ روزنامه اطلاعات، سال ششم، شماره ۱۳۵۴

(سه شنبه ۸ تیر ۱۳۱۰)، ص ۳.

Milan I.Hauner "Afghanistan between the great powers," *International journal middle east studies*, Vol 14, 1982, p. 482.

به‌خصوص همسایگان مسلمان سازگاری قابل توجهی بین اهداف و امکانات را نشان می‌داد.^{۲۲} سیاست «حسن همجواری»^{۲۳} مشخصاً نوعی از واقع‌گرایی میان اهداف سیاست خارجی ایران و امکانات کشور بود. این اصول جدید سیاست خارجی ایران که در چارچوب میثاق جامعه ملل بود، شامل عدم تعرض، حرمت مرزها، عدم مداخله در امور داخلی، بیطرفی و همکاری اقتصادی بود که عملاً سیاست سنتی را نقض می‌کرد.^{۲۴}

دولت رضاشاه از آغاز سده چهارده شمسی اقداماتی در جهت تضمین تمامیت ارضی افغانستان و عدم مداخله در امور داخلی، عدم تجاوز و بیطرفی مبتنی بر احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز با انعقاد عهدنامه مودت در ۱۳۰۰ شمسی و فصول الحاقیه آن در همان سال نیز در سال ۱۳۰۱^{۲۵} و عهدنامه ودادیه و تأمینیه در سال ۱۳۰۶ و پروتکل ضمیمه آن در سال ۱۳۰۷^{۲۶} آغاز و ادامه یافت. اما همچنان جو بدبینی و سوءظن در فضای سیاسی افغانستان نسبت به ایران وجود داشت. چنانکه امان‌الله خان پس از دیدار از ایران به بدگویی از ایران پرداخت، در مجلس لویه جرگه در کابل مجدداً این اقدام را تکرار کرد و همچنین دوست محمدخان بلوچ که علیه دولت مرکزی یاغی شده بود را به حضور پذیرفت و وعده کمک مالی و نظامی به وی داد.^{۲۷} این اقدامات خصمانه سبب شد که دولت ایران به نشانه اعتراض سفیر کبیر خود مهدی فرخ را به تهران فرا بخواند. در نتیجه به هنگام شورش بچه سقا و سقوط حکومت امان‌الله خان، سفارت ایران که به هرات منتقل شده بود با ژنرال کنسولی باقر کاظمی که نایب اول سفارت بود، به کار مشغول شد.^{۲۸} شورش بچه سقا سرانجامی نیافت و محمد نادرخان رژیم جدیدی را پی نهاد. وی با درس گرفتن از سرانجام امان‌الله خان سیاست افراطی وی را در دشمنی با بریتانیا کنار نهاد و سیاست دوستی را در قبال بریتانیا و ایران

۲۲. امین سایکل، «سیاست خارجی ایران» تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰؛

Rouhollah. k. Ramazani, The foreign policy of Iran 1500 - 1941 (Virginia: university press of Virginia, 1966), p. 307

23. Good - neighbor policy.

24. Ramazani, The foreign policy of Iran 1500 - 1941, pp. 275 - 276.

۲۵. اسناد ملی، ۱۰۴۰-۲۴۰۰ و برای آگاهی از مفاد کامل دو عهدنامه، نک: مجموعه قراردادهای ایران و افغانستان

و قراردادهای ایران و پاکستان، جزوه شماره ۳، وزارت امور خارجه (تهران: چاپ تابان، ۱۳۴۲)، ص ۴ - ۱. سواد معاهده دولتین علیتین افغانستان و ایران (کابل: مطبعه ماشین خانه سنگی، بی تا)، ص ۱۰ - ۱.

۲۶. فرخ، نظری به مشرق، ص ۴۰۵؛ مجموعه قراردادهای ایران و افغانستان، همان، ص ۲۱ - ۱۹. پروتکل منضمه به عهدنامه ودادیه و تأمینیه ۶ قوس

۱۳۰۶ مابین دولتین افغانستان و ایران (کابل: مطبعه شرکت رفیق، ۱۳۰۷)، ص ۷ - ۱. احمد توکلی، تاریخ روابط ایران و افغانستان (تهران: چاپخانه مهر، ۱۳۲۷)، ص ۱۲۳ - ۱۲۰.

۲۷. فرخ، نظری به مشرق، ص ۳۹۸.

۲۸. توکلی، ص ۱۳۰.

در پیش گرفت. بنابراین بارقه‌امیدی به وجود آمد که میان دو کشور همجوار، هم‌تبار و هم‌کیش با اشتراکات بسیار فرهنگی و تاریخی روابط دوستانه‌ای شکل بگیرد. اما مسأله کهنه‌ای مانع از روابط دوستانه می‌شد و آن مناقشه دو کشور بر سر تقسیم آب رود هیرمند بود که میراث به جا مانده از مرزبندی مصنوعی تحمیلی بر اساس خواسته‌ها و سیاست بریتانیا بدون توجه به مؤلفه‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی مردم منطقه بود.

سیستان در بازی بزرگ بریتانیا و روسیه، از نقاط استراتژیک، بود. افغانستان به دلیل مجاورت با سرحدات شمال غربی هندوستان یکی از گذرگاه‌های مهم و کلید فتح هندوستان به شمار می‌آمد^{۲۹} و سیستان نقش مهمی در این مسأله داشت. مسأله مورد مناقشه تقسیم آب رود هیرمند با تجزیه سیستان در نتیجه حکمیت گلداسمید در ۱۱ یا ۱۳ جمادی‌الآخر ۱۲۸۹ (۱۷ یا ۱۹ اگوست ۱۸۷۲) شکل گرفت که بر اساس آن سیستان به دو سیستان اصلی و خارجی تقسیم و رود هیرمند مرز دو کشور ایران و افغانستان شد و آب رود هیرمند را به طور مساوی میان دو طرف قرار داد. با تغییر مسیر مجرای رود هیرمند در سال ۱۳۱۳ قمری (۱۸۹۶ م)، حکمیت مکماهون در سال ۱۳۲۳ قمری (۱۹۰۵ م) پس از دو سال و سه ماه مطالعه و نقشه‌برداری میزان سهم آب ایران از رود هیرمند را برخلاف رأی گلداسمید که موظف به رعایت آن بود، به یک سوم تقلیل داد و مرز دو کشور را از کوه ملک سیاه تا سیاه کوه به طول ۲۸۲ کیلومتر مربع تحدید حدود کرد که تنها قسمتی از رود پریان، که به جای مجرای نادعلی شکل گرفته بود، به طول ۱۶ کیلومتر مربع مرز دو کشور را تشکیل داد.^{۳۰} در نتیجه این تغییرات از ۱۸۱۴۶ کیلومتر مربع مساحت کل سیستان، ۷۳۷۴ کیلومتر مربع از آن

۲۹. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران: ۱۸۱۴ - ۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، ج ۲ تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، (۱۳۷۱)، ص ۳۸۷.

۳۰. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۳ (تهران: اقبال، ج ۴، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۰۷ - ۹۳۱؛ همان، ج ۷، ص ۵۶ - ۳۲۰؛ میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲ (قم: احسانی، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۶۱ - ۱۱۵۴؛ شورماچ، ص ۱۳؛ محمدعلی منصف، امیر شوکت‌الملک امیر قائن (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴)، ص ۱۹۰ - ۱۸۹؛ مجتهدزاده، بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان، ص ۳۱۴ - ۲۸۴. مهندسین مشاور فرپاک، گزارش مرحله اول طرح تأمین و احداث شبکه آب مشروب کلیه قرای سیستان، کلیات و مشخصات عمومی، ج اول (بی‌جا: وزارت بهداری؛ سازمان منطقه‌ای بهداری سیستان و بلوچستان مدیریت بهداشت محیط استان، ۱۳۶۹)، ص ۶۸ - ۵۲. عبدالعظیم ولیان، کلیاتی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان (تهران: زوار، ۱۳۴۰)، ص ۱۴۵ - ۱۴۲. دنیس رایت، انگلیسیها در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹)، ص ۱۷۰.

Ramazani, The foreign policy of Iran 1500 - 1941, pp. 59 - 61. peter john Brobst, "sir Fredrick Goldsmid, and the containment of Persia 1873 - 1893", Middle east studies, vol 33, No 2 (april 1997), pp. 211 - 212.

ایران و ۱۰۷۷۲ کیلومتر مربع جزو خاک افغانستان شد.^{۳۱} بنابراین مکماهون نه تنها نتوانست مسأله را حل و فصل کند بلکه بر پیچیده‌تر شدن مناقشه افزود.

با استقلال افغانستان از استعمار بریتانیا و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی ایران، مذاکرات دوجانبه تنها راه حل مناسب به نظر می‌رسید. آنچه بر پیچیدگی و غامض بون مسأله می‌افزود، مرز بودن شاخه‌ای از رود هیرمند به طول ۱۶ کیلومتر بود که جنبه امنیتی به آن می‌داد. مسأله آب به خودی خود محل مناقشه نبود ولی در سال‌ها و ماه‌های خشکسالی و کم‌آبی در دسر ساز می‌شد و حالت بحرانی می‌یافت. از آنجایی که آب هیرمند سرمنشأ حیات سیستان و چخانسور افغانستان است، به هنگام کم‌آبی، بین ماه‌های خرداد تا آبان، منجر به درگیری میان ساکنان سیستانی و چخانسوری می‌شد. نرسیدن یا کم شدن آب سبب شد در سال ۱۳۰۰ شمسی اهالی سیستان بند لخشک را آتش بزنند. اما با فرا رسیدن بهار و رفع کم‌آبی مسأله موقتاً کنار گذاشته شد. در سال ۱۳۰۲ با تجاوز افغان‌ها به حدود هشتادان و خواف مجدداً مسأله اختلاف مرزی میان دو کشور مطرح شد.^{۳۲} نصرالله خلعتبری سفیر کبیر ایران در کابل در گزارشی در سال ۱۳۰۳ اظهار داشت که پیش از این به دلیل اوضاع داخلی افغانستان با اعزام کمیسیون مخالف بوده‌است. وی اساس سیاست خارجی افغانستان و ناکام ماندن در برابر تهاجمات روس‌ها در شمال و بریتانیا در جنوب و معطوف شدن توجه آن دولت به مرزهای غربی را علت عدم موفقیت خود در رسیدن به توافق بر سر مسأله آب اعلام کرد. اما اظهار داشت اکنون به دلیل اوضاع اخیر افغانستان که سبب تشویش و نگرانی وی شده، تغییر عقیده داده و با مذاکره موافق است.^{۳۳} اگرچه وی در گزارش خود به شرح اوضاع نپرداخته‌است اما به نظر می‌رسد مقصود وی شورش یا قیام منگلی‌ها در شرق افغانستان (ایالت پکتیا) در سال ۱۳۰۳ باشد. شورش به حدی فراگیر و خطرناک بود که اساس سلطنت و حکومت امان‌الله‌خان را به لرزه انداخت، نخستین ضربه جدی را به وی وارد کرد و سبب اختلاف و شکاف در میان رجال افغانستان و جدایی برادران خانواده مصاحبان، محمدنادرخان و برادرانش، از قدرت شد.^{۳۴} اقدامات دیپلماتیک میان دو طرف در حد مکاتبات ماند و به عمل نرسید.

طی سال‌های فوق، افغان‌ها برنامه بلندمدت و بلندپروازانه پروژه‌های آبیاری را در منطقه شروع

۳۱. مهندسین مشاور فریباک، ج ۱، ص ۵۹.

۳۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۳، ۴۴ کارتن، ۷۶ پرونده، سند ۳.

۳۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۳، ۴۴ کارتن، ۷۶ پرونده، سند ۴ - ۴/۱ - ۵ - ۹ - ۱۱ - ۱۵ - ۱۷ -

۱۷/۱ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰.

۳۴. سید رسول، ۱۳۶۳، ص ۱۵۶ - ۱۵۸، مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، چ دوم (قم: انتشارات احسانی، ۱۳۷۱)، ص ۴۵۱ - ۴۵۳.

کردند و برای این منظور مهندسی آلمانی را به نام «مازوخ» استخدام کردند تا به مطالعه منطقه پردازد^{۳۵} که سبب نگرانی دولت ایران و اصرار آنها بر انعقاد توافق برای حفظ و دفاع از سهمیه آب سیستان شد. عدم توافق سبب شد دوباره مشاجره میان رعایای دو طرف درگیرد و بند لخشک در فروردین ۱۳۰۶ آتش زده شد. مقامات دو کشور رعایای طرف دیگر را مسئول می‌دانستند.^{۳۶} مشاجرات محلی، ارائه اطلاعات ضد و نقیض و غیر مستقیم وجود یک کنسولگری را در چخانسور ضروری ساخت. این در حالی بود که افغان‌ها شش سال پیش از این در سیستان، کنسولگری دایر کرده بودند. بنابراین در سال ۱۳۰۶ کنسولگری ایران در چخانسور و فراه تأسیس شد و رضاقلی فرزان که تا پیش از این کارگزار خارجه سیستان بود و با منطقه و مسأله آب آشنایی داشت به این سمت برگزیده شد. در حالی که مهدی فرخ سفیر ایران در کابل دوست و همفکر خود نصرالله بهنام را پیشنهاد و توصیه کرده بود.^{۳۷} در سال ۱۳۰۷ منازعه بر سر بستن بند لخشک و پریان ادامه یافت. افغان‌ها بند لخشک را دوباره احداث کردند که منجر به قطع شدن آب در بلوک میان کنگی شد. در مقابل اهالی سیستان هم دست به کار شده نهر جدیدی را حفر کردند که برخلاف حکمیت گلداسمید بود و شکایت افغان‌ها را در پی داشت.^{۳۸} پس از آن مکاتبات برای از سرگیری مذاکرات شروع شد اما به دلیل شورش بچه سقا که منجر به سقوط حکومت امان‌الله خان شد مسکوت ماند.

دوره محمدنادر شاه

پس از سرکوبی شورش بچه سقا، محمدنادرشاه در چهارم میزان (مهر) ۱۳۰۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۲۹) به سلطنت رسید^{۳۹} و دور تازه‌ای از مناسبات دو کشور آغاز و مسأله آب مطرح شد زیرا در اوایل آذر ۱۳۰۸ افغان‌ها بند پریان را تصرف کرده، مانع از جریان آب به سمت ایران شدند.^{۴۰} اما پیش از آن یکی از مستأجران سیستانی به نام ملک محمدعلی خان در اواسط آبان ۱۳۰۸ تقریباً دوپست قدم

۳۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳، سند ۱۱۵، ۱۱۶. همان، سال ۱۳۰۴، کارتن ۴۶، پرونده ۳۳، سند ۱۴.

۳۶. همان، سال ۱۳۰۶، کارتن ۴۶، پرونده ۴۱۵، سند ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹.

۳۷. همان، سال ۱۳۰۶، کارتن ۲۶، پرونده ۱۳، سند ۱۱.

۳۸. همان، سال ۱۳۰۷، کارتن ۴۶، پرونده ۳۱، سند ۳۴/۲ - ۴۲ - ۶۰ - ۶۵ - ۶۶.

۳۹. آدامک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان (در نیمه نخست سده بیستم)، ج ۲، ص ۲۶۹. نظری به مشرق، ص ۴۰۸ - ۴۳۴.

D.balland, "Afghanistan, political history," Encyclopaedia Iranica, vol i (London: routledge, kegan paul, 1985), p556.

۴۰. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۳۳/۱۱۹، سند ۳۰ - ۳۱.

قبل از محل بند پریان نهر جدیدی از رود منشعب کرده بود که باعث شکایت افغان‌ها شد. فرزانه کنسول ایران در چخانسور، مقامات محلی سیستان را مورد انتقاد قرار داد و اظهار نگرانی کرد که در صورت تداوم این رویه، اهالی چخانسور نیز مقابله به مثل کنند. نظامیان افغان در ۱۰ آذر ۱۳۰۸ به خاک ایران تجاوز کردند.^{۴۱} تشدید اختلافات و درگیری میان اهالی دو کشور و نیز تجاوزات مرزی سبب شد که در آغاز سال ۱۳۰۹ توافق کردند تا کمیسیونی از نمایندگان دو کشور به مذاکره بپردازند. اما کمیسیون تشکیل شده از مقامات محلی سیستان، تقسیم آب بند پریان و بند لخشک را مشکل دانست. زیرا به باور آنها، افغان‌ها تنها به دنبال به دست آوردن مدرکی در محل برای عملی کردن قرارداد مکماهون بودند. سفیر ایران نیز از صحبت‌های وزیر خارجه افغانستان دریافت که وی خواهان دانستن نظر دولت ایران درباره قرارداد مکماهون است. وی نیز به این نتیجه رسید که هدف افغان‌ها از این مقدمات به دست آوردن مدرک و سندی در خصوص تقسیم یک سوم آب برای ایران است.^{۴۲} سفیر ایران در یادداشتی به تاریخ ۱۱ مردادماه ۱۳۰۹ نظر دولت ایران را به وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد اما وزارت خارجه افغانستان که پاسخ مطلوب خود را دریافت نکرده بود، دوباره خواستار توضیحات دولت ایران شد. سفیر ایران دوباره در یادداشتی نظر دولت ایران را درخصوص حکمیت مکماهون ابراز داشت: «از همان وقتی که مکماهون رأی خود را درباره آب هیرمند صادر کرد اعتراضات خود را به اطلاع نماینده دولت انگلیس که امور خارجی دولت افغانستان را عهده دار بود رسانده و نوشتجات آن در دفاتر موجود است و امروز که دولت افغانستان طرف مذاکره است اعتراضات جدیدی ندارد».^{۴۳} دولت ایران که بنابر نظر کمیسیون مقامات محلی سیستان از مذاکره با دولت افغانستان صرفنظر کرده بود از سفیر خود در کابل خواست که در یادداشتی به تاریخ ۹ مهر ۱۳۰۹ به وزارت خارجه افغانستان اطلاع دهد «به واسطه تراکم امور و کثرت مشاغل اولیای دولت علیه ایران در ارسال از اعزام مأموران خود برای رسیدگی به اختلافات راجعه به آب هیرمند جلوگیری و تسویه این اختلاف را منوط به سال آینده کرده‌اند».^{۴۴}

دو کمیسیون یکی برای حل اختلاف سرحدی و مسأله تجاوز افغان‌ها به موسی‌آباد و دیگری برای حل مسأله آب هیرمند، همزمان در سال ۱۳۱۰ش اعزام شدند.^{۴۵} در آذرماه هیأتی به ریاست

۴۱. همان، سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۳۳/۱۱۹، سند ۹. همان، سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۳۳/۱۱۹، سند ۴۶ - ۴۷.

۴۲. همان، سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۱۸۰.

۴۳. همان، سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۶ - ۸۷.

۴۴. همان، سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۴.

۴۵. فرخ، نظری به مشرق، ۱۳۱۴، ص ۴۴۶.

محمد ابراهیم خان علم (شوکت‌الملک) و مرکب از مهندس اسماعیل شیرازی و بدیع‌الزمان مصباح نمایندگان وزارت مالیه، سرهنگ مرتضی قلی‌خان مکرری نماینده وزارت جنگ، رفیع‌الملک غلامحسین رسته نماینده وزارت خارجه و محمدعلی منصف به سمت منشی امیر شوکت‌الملک به چخان‌سور اعزام شد.^{۴۶} هیأت افغانی به ریاست عبدالاحدخان رئیس مجلس شورای ملی و متشکل از محمد انورخان حاکم چخان‌سور و داماد عبدالاحدخان، غلام یحیی‌خان معاون وزارت خارجه، معتصم‌خان و محمداسماعیل خان بود.^{۴۷} همزمان دولت افغانستان شیراحمدخان سالخورده را با سمت حاکم چخان‌سور فرستاد تا با وعده رساندن آب به اراضی به تقسیم اراضی و فروش آنها به خریداران افغان پشتون، اقدام کند. وی برای کاهش نفوذ ایران در منطقه «مستأجرین و صاحبان املاک شیعه را به بهانه‌های غیرقانونی از املاک خود محروم کرد». وی همچنین «سعی کرد املاک مزبور را به بلوچ‌هایی که اقوام و بستگانی در ایران» داشتند واگذار نکند و افغان‌های پشتون را از نقاط دور دست و قندهار به چخان‌سور کوچانیده و سکنی دهد تا توازن جمعیت را به نفع پشتون‌ها تغییر دهد.^{۴۸} گفتگوهای دو طرف مذاکره‌کننده پس از دو ماه در روستای دوست محمدخان به نتیجه‌ای نرسید.^{۴۹} اما منبع افغانی معتقد است که در ماه جدی (دی) ۱۳۱۰ شمسی پروتکلی مبنی بر تقسیم مساوی آب هیرمند از دهنه نهر شاهی به امضای طرفین رسید.^{۵۰}

اظهار نظر شوکت‌الملک به خوبی نشان می‌دهد که ایران با پیشنهاد افغان‌ها مبنی بر تقسیم آب مساوی از دهنه نهر شاهی موافقت نکرد. شوکت‌الملک که متوجه شد افغان‌ها بر پیشنهاد خود پافشاری می‌کنند در جلسه آخر کمیسیون به صراحت اظهار داشت که پیشنهاد وی همان است که ارائه شده و نمی‌تواند ترتیب دیگری را بپذیرد. وی بیان کرد که نظر افغان‌ها را به دولت خود ارسال می‌کند و در صورت پذیرفتن پیشنهاد افغان‌ها، شخصاً از انجام آن خودداری کرده از این مأموریت کناره‌گیری می‌کند. زیرا به باور شوکت‌الملک، پیشنهاد افغان‌ها کاملاً به زیان دولت ایران و مردم سیستان بود و سبب می‌شد سیستان همانند خاش‌رود شده و بی‌فایده گردد. وی نمی‌خواست همانند هیأت یمین نظام (سردار مقتدر کاشانی)، مورد طعن و لعنت قرار گیرد که خود وی هر زمان میله‌های

۴۶. محمدتقی رخشانی، *مرزبندی‌های سیستان در تاریخ معاصر ایران (قاجار و پهلوی)* (زاهدان: تفتان، ۱۳۸۵)، ص ۱۳۱؛

محمدعلی منصف، *امیر شوکت‌الملک علم: امیر قائن* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴)، ص ۱۸۶.

۴۷. اسناد آستان قدس رضوی، مشهد. سند ۳۱۶۷۵/۱ و اسناد ملی، برگ ۳ و ۲ سند ۳۵۵۱۴-۰۰۳۴۰۰ و منصف، ص ۱۸۹، ۱۸۶.

۴۸. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۱، کارتن ۱۱، پرونده ۱۲/۱۵۸، سند ۱۱.

۴۹. رخشانی، ص ۱۳۲، منصف، ص ۱۸۶.

۵۰. وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۱۳.

سرحدی را می‌بیند به آنها لعنت می‌فرستد. وی در عین حال متذکر شد که اگر دولت ایران بخواهد تمام سیستان را به دولت افغان ببخشد، حرفی نمی‌تواند داشته باشد.^{۵۱}

عدم نتیجه در مذاکرات، باعث شد که محمد نادرشاه برای در محذوریت قرار دادن رضاشاه و با این عنوان که قصد دارد دوستی دولت افغانستان را اثبات کند، با حکمیت رضاشاه موافقت کرد اما رضاشاه نپذیرفت.^{۵۲} در ابتدای سال ۱۳۱۱ مقرر بود که صدراعظم افغانستان برای مذاکره و تصمیم قطعی درباره آب به ایران سفر کند اما به دلیل بیماری او برنامه سفر منتفی شد و غلامحسین رسته، کاردار سفارت ایران در کابل که نقش عمده‌ای را در مذاکرات ایفا می‌کرد، به تهران آمد. وی وزیر خارجه ایران را متقاعد کرد که یک نسخه از طرحی که قرار بود تدوین شود، تهیه و برای صدراعظم افغانستان ارسال کند تا وی نظرات خود را به سفارت ایران در کابل ابلاغ کند.^{۵۳} در طرح قراردادی که در سال ۱۳۱۲ تهیه شده، دولت ایران تنها به ماده اول آن اعتراض داشت که برخلاف حکمیت گلداسمید به دولت افغانستان اجازه می‌داد، نه تنها نه‌های قدیمی را تعمیر و مرمت کند بلکه نه‌های جدیدی را برای آبیاری اراضی چخانسور احداث کند. درحالی‌که تمام کوشش و اصرار دولت ایران برای انعقاد قرارداد، جلوگیری از این‌گونه اقدامات بود که موجب تضییق حقوق اهالی سیستان و کاهش آب این دیار می‌شد.

محمدعلی فروغی رئیس‌الوزرا، نیز نسبت به سرسختی و عدم انعطاف افغان‌ها در باب ماده اول قرارداد واکنش تند داشت.^{۵۴} تلاش‌های بسیار محمدتقی اسفندیاری سفیر وقت ایران در کابل برای متقاعد کردن افغان‌ها به حذف ماده اول نتیجه‌ای در برنداشت و او که از نحوه رفتار و برخورد مقامات افغان به ستوه آمده بود در انتقاد از آنها نوشت «ظاهرشان غیر از باطنشان است».^{۵۵}

محل تقسیم آب نیز از دیگر موارد اختلاف بود. دولت ایران اصرار داشت، چهار برجک که اولین آبادی چخانسور بود مقسم آب باشد تا حقوق ایران تأمین شود. اما با مخالفت افغان‌ها مواجه شد. سرانجام توافق شد که مقسم در بند کمال‌خان باشد ولی افغان‌ها از چهار برجک تا بند کمال‌خان به استثنای نه‌هایی که داشتند نهر و سدی احداث نکنند. اسفندیاری سفیر وقت ایران توصیه کرد هرچه زودتر قراردادی مطابق با قراردادهای آب مابین ایران و عراق و ایران و شوروی و قراردادهای

۵۱. منصف، ص ۱۸۸.

۵۲. فرخ، نظری به مشرق، ص ۴۵۰ - ۴۵۱.

۵۳. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، سند ۴۴۳۱.

۵۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹۲.

۵۵. همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۱.

مابین دیگر کشورها و براساس قوانین مرسوم بین‌المللی با دولت افغانستان منعقد شود، زیرا هر قدر انعقاد قرارداد طول بکشد افغان‌ها تصرفات بیشتری در آب خواهند کرد و با کمک مهندسان خارجی تا زمان انعقاد قرارداد، نهرهای جدیدی احداث خواهند کرد که سبب کاهش آب ایران شود. در نتیجه ایران در برابر عمل انجام شده قرار خواهد گرفت و دیگر اعتراضات ایران فایده‌ای نخواهد داشت؛^{۵۶} چنانکه احداث ساختمان نهر سراج را که در سال ۱۳۱۳ افتتاح شد، به شرکت‌های خارجی واگذار کردند.^{۵۷} دولت ایران با آگاهی از برنامه عمرانی و آبیاری افغان‌ها درصدد بود که هرچه زودتر در خصوص سهم آب سیستان به یک توافق قطعی دست یابد تا برنامه‌های سدسازی و آبیاری افغان‌ها که با کمک مالی و فنی آمریکایی‌ها اجرا می‌شد، خدشه‌ای به حقوق مردم سیستان وارد نکند.

دوره محمد ظاهرشاه

با قتل محمدنادرشاه (۱۶ عقرب / آبان ۱۳۱۲) محمدظاهرشاه، که جوانی ۱۹ ساله بود، به سلطنت رسید.^{۵۸} در زمان سلطنت چهل ساله (۱۳۵۲ - ۱۳۵۲)، مذاکرات و قراردادهای مهمی میان ایران و افغانستان به امضا رسید. پیش از طرح مسأله آب هیرمند، اختلاف بر سر منطقه هشتادان، موسی‌آباد و معادن نمک آن مشکل‌ساز شد. در قراردادی که در ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ به امضا رسید توافق شد تا بر اساس ماده هفتم عهدنامه ودادیه و تأمینیه ۱۳۰۶ و توضیح آن در ماده ششم پروتکل ضمیمه ۱۳۰۷ حکمیت در این مسأله به دولت ترکیه واگذار شود.^{۵۹} مذاکرات با حکمیت ترکیه در تاریخ مهر ۱۳۱۳ آغاز شد و در بهمن ۱۳۱۳ به کار خود پایان داد و فخرالدین آلتای حکم ترک پس از بازگشت به ترکیه در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۴ رأی خود را صادر کرد که به موجب آن ۱۶۰ فرسخ از خاک ایران به افغانستان منضم شد.^{۶۰}

۵۶. همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹ و ۱۰.

۵۷. فریدون زند، «مسأله آب هیرمند»، نشریه وزارت امور خارجه، دوره دوم، شماره ۳ (مهر ۱۳۳۵)، ص ۴۸ - ۴۷.

۵۸. روزنامه آینده ایران، شنبه، شماره ۱۷ و ۱۸، سال چهارم (۱۸ آذر ۱۳۱۲/۲۰ شعبان ۱۳۵۲)، ص ۱؛ فرهنگ، ج ۲، ص ۶۲۷ - ۶۲۶.

۵۹. رحمت‌الله معتمدی (معمدالوزاره)، از سیاه‌کوه تا دهانه ذوالفقار شرح گزارشات و وقایع مسافرت به سرحدات افغانستان و مطالعات از وضعیت قسمت‌های سرحدی، خرداد ۱۳۱۱ تادی ۱۳۱۲ (تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۹۰)، ص ۱۱. فرخ، نظری به مشرق، ص ۴۰۵؛ توکلی، ص ۸۱.

۶۰. معتمدی، همان، ص ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ و ص ۲۳۰ - ۲۳۱. مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، ص ۱۴ - ۱۳. سالنامه مجله کابل، «اجراءات دواير مملکتی»، ۱۳۱۳، ص ۸۶ - ۸۵؛ روح‌زنده، ص ۱۴۳ - ۱۴۲؛ اسماعیل والی‌زاده، خاطره‌ها (تهران: مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵/۲۵۳۵)، ص ۹۷ - ۹۶. مخبر، ص ۳۱ - ۵۲. مجتهدزاده، بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان، ص ۲۴۹ - ۲۵۹.

دولت ایران برای جلب اعتماد افغانستان برای پیوستن به پیمان سعدآباد و نیز جلب دوستی دولت ترکیه و چنانکه رضاشاه در افتتاح مجلس یازدهم شورای ملی در ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ش اظهار داشت، به دلیل ضرورت شرایط جهانی^{۶۱} و احترام به رأی حاکم، حکمیت را پذیرفت.^{۶۲} اگرچه انتقادات بسیاری از آن شد^{۶۳} اما در واقع پذیرش حکمیت در راستای سیاست حسن همجواری رضاشاه و برطرف کردن اختلافات با همسایگان خود برای دستیابی به یک ائتلاف بود. پذیرش حکمیت نوعی احترام و رعایت مواد قرارداد میان دولت ایران و افغانستان بود که بر اساس عهدنامه‌های ودادیه و تأمینیه سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۶ و به‌ویژه پروتکل ضمیمه سال ۱۳۰۷ متعهد شدند که «...رأی آن حاکم ثالث در باب مابه‌الاجتلاف قطعی الاجرا خواهد بود».^{۶۴} چنین سیاستی از سوی رضاشاه را در قبال حل اختلافات مرزی با ترکیه نیز می‌توان دید. ارفع در خاطرات خود به باور و اصرار رضاشاه در ضرورت حل اختلافات مرزی با ترکیه اشاره می‌کند که چنین معتقد بود:

اهمیت در این تپه یا آن تپه نیست آنچه مهم است زیستگاه می‌باشد که برای یک دفعه و برای همیشه بحث مرزی با ترکیه خاتمه یابد عدم توافق بین دو مملکت در گذشته همیشه به نفع دشمنان ما بوده باید قطع شود و یک اساس و پایه دوستی صمیمانه که به نفع دو طرف است بین ایران و ترکیه استوار گردد. اگر ما هم پیمان و متحد باشیم من از هیچ کس نمی‌ترسم.^{۶۵}

انعطاف و اصرار رضاشاه به حل اختلافات مرزی با افغانستان را در مورد چکاب (چکو)، مزرعه کوچکی در جنوب شرقی قاینات در مجاورت روستای «درج» که موروثی در اختیار خاندان شوکت‌الملک علم بود، به خوبی می‌توان دید. در حالی که شوکت‌الملک مصمم به حفظ چکاب بود و برای مقابله با افغان‌ها تفنگچیان سیستانی بیشتری را به منطقه اعزام کرده بود، رضاشاه در دیداری خصوصی با شوکت‌الملک، به وی گفت که ارزش چکاب چه از لحاظ سوق‌الجیشی و چه از نظر وجود مراتع برای دام‌ها بدان پایه نیست که همسایه خود ناراضی باشد و در روابط دو دولت

۶۱ مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، ص ۳۶۲ - ۳۶۳.

۶۲ اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۷/۷۲۲۱۳. احمد توکلی، ۱۳۲۷، ص ۸۲.

۶۳ والی‌زاده، خاطره‌ها، ص ۹۷.

۶۴ سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ۲۴۰۰۱۰۴۰؛ سواد معاهده دولتین علیتین افغانستان و ایران، ص ۶ - ۱؛ مجموعه

قراردادهای ایران و افغانستان و قراردادهای ایران و پاکستان، ج ۳، ص ۴ - ۱؛ پروتکل منضمه به عهدنامه ودادیه و تأمینیه ۶ قوس ۱۳۰۶ مابین دولتین افغانستان و ایران، ص ۷ - ۱؛ فرخ، نظری به مشرق، ص ۴۰۵.

۶۵ حسن ارفع، در خدمت پنج سلطان، ترجمه سید احمد نواب صفوی (تهران: انتشارات مهرآئین، ۱۳۷۷)، ص ۲۶۱ - ۲۶۰.

والی‌زاده، ص ۹۷ - ۹۸.

ایجاد سوء تفاهم کند و از امیر خواست در صورت آماده بودن افغان‌ها چکاب و تأسیسات آنجا به افغان‌ها واگذار شود و شوکت‌الملک به وزارت خارجه برای فروش چکاب به افغان‌ها اختیار تام داد و چنین شد.^{۶۶}

با این حال مسأله آب همچنان لاینحل ماند. عدم توجه و اعتنای مأموران محلی افغان در فراه و چخانسور به مراجعات و شکایات کنسول ایران، سفیر ایران را واداشت که در یادداشت شدیدالحنی به وزارت خارجه افغانستان به این مسأله اعتراض کند. وی اظهار داشت که دیگر ضرورتی برای وجود کنسولگری ایران در چخانسور نیست و تهدید به عمل متقابل با کنسول‌های افغان کرد.^{۶۷} چنانکه در صفحات قبل اشاره شد، عدم انعطاف دولت افغان در حذف ماده اول قرارداد و پافشاری آنها بر ماده اول قرارداد سبب شد که فروغی، واکنش تندی بروز دهد.^{۶۸} سفیر ایران برای باز شدن گره کار، شخصاً از فروغی رئیس‌الوزرا درخواست کرد که با فیض محمدخان در مشهد - که برای جشن هزارمین سالگرد تولد فردوسی شرکت کرده بود - دربارهٔ قرارداد آب مذاکره کند. فروغی پس از دیدار متوجه شد که کارشکنی افغان‌ها مانع از انعقاد قرارداد می‌شود و بعید است توافقی حاصل شود. با این وجود سفیر ایران نومیث نشده به وزارت خارجه اطلاع داد که موضوع را پس از ورود وزیر خارجه افغانستان به کابل دنبال خواهد کرد.^{۶۹} اما کار سفیر دشوارتر شد موقعی که وزیر خارجه افغانستان شخصاً به چخانسور سفر کرد، متوجه شد که گزارش‌های مأموران افغان دربارهٔ مسائل مرزی نزدیک به حقیقت است.^{۷۰} از سوی دیگر وزارت مالیه برای جلوگیری از اقدامات افغان‌ها، مهندس شیرازی را به سیستان فرستاد تا از محل دیدار کند. وی در گزارشی ادعاهای وزیر خارجه افغانستان را رد و پیشنهاد کرد که چون قرارداد تهیه شده به زودی تصویب و مبادله نخواهد شد، اجازه داده شود وی به همراه رئیس مالیه سیستان، مأمور عالی تقسیم اراضی سیستان و کمیسر سرحدی از سوی دولت ایران با کنسول افغان در زابل یا نماینده دیگری که افغان‌ها تعیین می‌کردند، مذاکراتی برای انعقاد قرارداد موقت انجام دهند.^{۷۱} این پیشنهاد سنگ بنای انعقاد قرارداد موقت سال ۱۳۱۵ ش شد. با درخواست وزیر مالیه از رئیس‌الوزرا^{۷۲} و موافقت دو دولت مجدداً

۶۶ منصف، ص ۱۹۴ - ۱۹۲.

۶۷ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۳، کارتن ۱۶، پرونده ۶ سند ۳.

۶۸ همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹۲.

۶۹ همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۴۷.

۷۰ همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۳۹ - ۱۴۰.

۷۱ همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۸۲.

۷۲ همان، سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۸۲.

کمیسیون به ریاست محمد ابراهیم خان علم از سوی ایران و عبدالاحدخان از سوی دولت افغانستان در ۱۳ دی ۱۳۱۳ در روستای دوست محمدخان تشکیل شد. با وجود همکاری و گذشت هیأت ایرانی، مذاکرات بی نتیجه ماند و در همان کلیات ماند و سرانجام مقرر شد که طرفین به مراجع بالاتر خود مراجعه کرده کسب تکلیف کنند. شوکت الملک در گزارش خود درباره محل تقسیم آب اظهار داشت: «اگر ابتدای ناحیه چخانسور که چهاربرجک اولین آبادی آن است منطقه اندازه گیری قرار نگیرد و پایین تر از آن جا قرار مناصف داده شود، به زیان ایران خواهد بود و در ماه های کم آبی سال سیستان به کلی از آب محروم خواهد شد».^{۷۳}

مأموریت میرزا علی اکبرخان بهمن، سفیر جدید ایران در کابل در سال ۱۳۱۴ با دستور چانه زنی بر سر ماده اول قرار داد آغاز شد. به وی مأموریت داده شد تا با انجام اقداماتی دولت افغانستان را متقاعد به صرف نظر کردن از قید جمله «هر مقدار آبی که پس از استعمال افغانستان به بندر کمال خان می رسد» در ماده اول کند. در غیر این صورت دولت افغانستان را مجاب کند در صورت قید جمله فوق، عبارت «به میزان مصرف کنونی» هم در ماده اول درج شود و «در صورت امکان به همراه یک مهندس متخصص وضعیت رودخانه را از بالای بند چهاربرجک معاینه و پاره های از مسایل را مشخص کنند، برای پیشبر مقصود مفید خواهد بود».^{۷۴}

در حالی که مذاکرات برای انعقاد قرارداد موقت ادامه داشت و به نظر می رسید که به زودی محقق شود، اقدامات مأموران افغان در احداث نهرهای جدید و بستن سد در بند لخشک در خرداد ۱۳۱۵ سبب وقفه در مذاکرات و اعتراض دولت ایران شد. نرسیدن آب به بلوک میان کنگی و بلوکات دیگر در سال ۱۳۱۵ گرانی گندم را در سیستان به دنبال داشت.^{۷۵} علی اکبر بهمن در حال بیماری ناچار شد به دیدن وزیر خارجه افغان برود. وی از اقدامات مأموران چخانسور به شدت انتقاد کرد و خواستار ایجاد وضعیت موجود (استاتکو)^{۷۶} شد. در مقابل وزیر خارجه افغانستان نیز موضع تهاجمی گرفته عکس العمل تندی نشان داد و تمام تقصیرها را به گردن دولت ایران انداخت. وی سفیر و مقامات ایرانی را به بی اطلاعی از اوضاع منطقه متهم کرد و مدعی شد رعایای ایران وضعیت موجود را رعایت نکرده و برخلاف حکمیت گلداسمید عمل کرده اند. وی دولت ایران را به کارشکنی و تأخیر در امضای قرارداد توافق شده با باقر کاظمی متهم کرد که با بهانه کردن تغییر عبارت،

۷۳. همان، سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۲/۲، سند ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹. همان، سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳/۳، سند ۸ - ۹.

۷۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳/۱، سند ۹.

۷۵. همان، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۱.

امضای قرارداد را به مدت چند سال با وجود پذیرش تمام درخواست‌های ایران از سوی دولت ایران به عقب انداخته است. وزیر خارجه افغانستان در این دیدار به نکته‌ای مهم و کلیدی اشاره می‌کند که مهم‌ترین علت عدم توافق دو دولت در مسأله بود. دولت افغانستان «استفاده از آب هیرمند که در خاک افغانستان واقع شده حق مشروع» خود می‌داندست و وزیر خارجه آن کشور تعجب می‌کرد که دولت ایران عمل مشروع آنها را با بدبینی می‌نگریست و هر روز آنها را متهم می‌کرد. وی ادعا کرد که چهار پنجم آب رود به سمت ایران و تنها یک پنجم به سمت افغانستان جاری بود. سفیر ایران به دولت خود پیشنهاد کرد در صورت صحت ادعاهای وزیر خارجه افغانستان، وی از انتقاد تند نسبت به دولت افغانستان خودداری کند که در غیر این صورت سبب رنجش طرف افغان می‌شود و تمام زحمات و مخارج برای جلب دوستی و اعتماد مقامات افغان هدر می‌رود.^{۷۷}

برای حل و فصل قضیه برای سومین بار در مرداد ۱۳۱۵ مذاکرات میان نمایندگان دو کشور در محل اقامتگاه هیأت ایرانی در بند کوهک آغاز شد. پیش از آغاز مذاکرات، متخصصان فنی ایران در ۲۹ مرداد به بندر (بند) کمال‌خان رفته و روز بعد مراجعت کردند.^{۷۸} مذاکرات در جریان بود که توهین رئیس هیأت افغان و مدیر شعبه شرق وزارت خارجه افغانستان به مهندس شیرازی جنجال بر پا کرد و وقفه‌ای در مذاکرات ایجاد کرد. محمد نعیم^{۷۹} کفیل وزارت خارجه افغانستان در پاسخ به اعتراض دولت ایران، این ادعا را بی‌اساس دانسته و رد کرد.^{۸۰} موضوع دیگر که مذاکرات را به تعویق انداخت کم شدن آب به یکباره در بند کوهک و جلوگیری از آب در بند لخشک بود. این موضوع واکنش اهالی سیستان را در پی داشت و آن شکستن بند لخشک بود. وزارت خارجه ایران برای به جریان افتادن مذاکرات به سفیر خود دستور داد که مذاکرات را با لحنی بسیار دوستانه برگزار کند تا دلخوری افغان‌ها از اقدام سیستانی‌ها برطرف شود.^{۸۱} وزارت خارجه ایران حدود وظایف را به کمیسیون خود چنین ارائه کرد: «موجبات رضایت و اسکات رعایای دو طرف را فراهم کرده و ترتیبی اتخاذ شود که در این سال آب به نحو رضایت‌بخشی به مزارع ایران و افغانستان برسد»

۷۷. همان، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳.

۷۸. همان، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۴، سند ۲۷.

۷۹. نامبرده همان سردار محمدنعیم خان برادر سردار محمد داود خان وزیر خارجه و مشاور دولت برادرش است که در جریان کودتای ثور (۷ ثور ۱۳۵۷ ش / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸م) به همراه برادر و تعدادی از افراد خانواده کشته شد. فرهنگ، ج ۲، ص ۸۶۸؛ محمد اعظم سیستانی، مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان، ج ۲ (بی‌جا: اداره دارالنشر افغانستان، ۲۰۰۰ م)، ص ۸۶ - ۸۴.

۸۰. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۵، سند ۲.

۸۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۳، سند ۶۵.

و «مذاکره در خصوص مواد قرارداد برای انعقاد در حدود وظایف کمیسیون نیست.» به دولت افغان اطمینان خاطر داده شود که قرارداد به زودی امضا خواهد شد اما «با وجود امضای قرارداد لازم است دولت افغان دو سه سال اول را با دولت ایران مدارا کند تا تعمیر انهار و سدبندی و توزیع آب در خاک ایران صورت گیرد و گرنه رعایای سیستان خسارات بسیار خواهند دید.»

نکته مهم و فنی که در مطلب وزارت خارجه به آن اشاره شده، دلیل ایران است بر آنکه می‌بایست سهم بیشتری به اندازه دو سوم به سیستان ایران تعلق گیرد «زیرا نهرهای ایران به واسطه سستی زمین خیلی خراب است و اگر همانند سابق دو سوم آب به مزارع سیستان نرسد آب بر زمین‌های کشاورزی سوار نمی‌شود مگر آن که با تدابیر فنی برطرف شود و نصف آب هیرمند سوار بر اراضی سیستان شود.» مسأله آب به طور معمول و در حالت عادی با توجه به اصرار بر خواسته‌های خود از سوی دو طرف قابل حل نبود و نیاز به یک محرک و انگیزه قوی‌تری بود که مشترکاً منافع ملی دو کشور را تأمین کند و اهمیت بسیار بالاتری از مسأله آب داشته باشد.

موضوعی که دو دولت را به سوی توافق و تفاهم و انعقاد قرارداد موقت آب سوق داد، پیمان سعدآباد بود. این پیمان در جهت سیاست حسن همجواری رضاشاه و در چارچوب میثاق جامعه ملل برای حل و فصل قطعی اختلافات، فراهم شدن همکاری‌های اقتصادی، عدم تعرض و عدم مداخله در امور داخلی^{۸۲} و به عقیده‌ای با هدف تشکیل قدرت کوچکی^{۸۳} و به باور بسیاری از کارشناسان اخیر برای ایجاد کمربند بهداشتی در برابر خطر کمونیسم شوروی،^{۸۴} ضروری بود. برای جلب نظر و اعتماد افغانستان، بهبود مناسبات ایران و افغانستان ضروری بود که لازمه آن برطرف شدن اختلاف بر سر مسأله تقسیم آب بود. برای نزدیک شدن به تفاهم و پیوستن افغانستان به پیمان سعدآباد،^{۸۵}

۸۲. فرهنگ، ج ۲، ص ۶۳۹ گاوین همبلی، «یکه سالاری پهلوی: رضاشاه ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰»، تاریخ ایران از مجموعه تاریخ کمبریج، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، دفتر دوم از جلد هفتم (تهران: جامی، ۱۳۸۸)، ص ۴۲. به گفته وزیر خارجه ابتدا مقرر بود پیمان سعدآباد در کابل به امضا برسد. برای آگاهی درباره اظهارات وزیر خارجه در مجلس شورای ملی، نک: صورت مذاکرات مجلس، دوره ۱۱، جلسه ۸۷، ص ۸۷؛ برای آگاهی بیشتر، نک:

Ramazani, The foreign policy of Iran 1500 - 1941, pp. 272 - 275

۸۳. امین سایکل «سیاست خارجی ایران ۱۹۲۱ - ۱۹۷۹»، تاریخ ایران از مجموعه کمبریج، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲.

۸۴. گفتگوی احمد احرار با احمد میرفندرسکی، دیپلمات و سیاست خارجی از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (تهران: علم، ۱۳۸۲)، ص ۸۶؛ منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷) ص ۶۱.

۸۵. درباره چگونگی پیوستن افغانستان به پیمان سعدآباد، نک:

Milan I. hauner " Afghanistan between the great powers," International journal middle east studies, Vol 14,1982, pp. 484 - 487.

در مهرماه ۱۳۱۵ شاه محمودخان وزیر جنگ در رأس هیأتی به ایران و ترکیه و عراق سفر کرد.^{۸۶} در ایران از وی به گرمی استقبال شد^{۸۷} و دو طرف از دوستی و مناسبات دوستانه صحبت کردند.^{۸۸} اثرات این دیدار چند ماه بعد در سوم اسفند ۱۳۱۵ آشکار و قرارداد موقت آب بین دو کشور منعقد شد که به موجب آن تقسیم آب در بند کمال خان بالمناصفه صورت می گرفت. اما منبع افغانی، تاریخ انعقاد پروتکل را در شهریور ۱۳۱۵ ذکر می کند که بر اساس آن دو طرف توافق کردند هر مقدار آب که به بند کمال خان می رسید از این بند تا بند لخشک به صورت مساوی بین رعایای چخانسور و سیستان تقسیم شود و هریک از طرفین اجازه داشتند که سهم خود را در خاک خود در هر کجا که مورد نیاز بود منتقل کنند.^{۸۹}

با وجود انعقاد قرارداد موقت آب، افغانها در سال ۱۳۱۶ بند نهر میلک را مسدود کردند. وزارت خارجه ایران از سفیر خود خواست که واکنش تند و شدیدی نشان دهد، اما سفیر برخورد و اعتراض شدید را به مصلحت ندانست و به بهانه بهبود مناسبات و امضای پیمان سعدآباد به ملاقات وزیر خارجه افغان رفت.^{۹۰} سفیر ایران با مهارت تمام توانست وزیر خارجه افغانستان را در محذوریت قرار دهد، چنانکه وی برای اظهار دوستی و در راستای استحکام پیمان بغداد به طور شفاهی تصدیق کرد که دهنه نهر میلک در خاک ایران واقع شده و به رغم اصرار اولیه خود بر اعزام کمیسیون برای اثبات مدعای خود، اعلام کرد که احتیاجی به اعزام کمیسیون نیست. سفیر ایران خواهان اظهار نظر کتبی شد و توانست از مدیرکل سیاسی که در مذاکرات حضور داشت دستخط کتبی اخذ کند. اما وی پس از تحقیق بیشتر متوجه شد که وزیر خارجه افغان مذاکرات را تعارف و غیر رسمی تصور کرده و انتظار نداشته سفیر ایران این تعارفات را به عنوان نامه رسمی فوراً به تهران تلگراف کند.

پس از چانه زنی های بسیار توافق شد که کمیسیونی مرکب از مأموران اعزامی و مهندسان تشکیل شود.^{۹۱} در اواخر سال ۱۳۱۶، همانگونه که اسفندیاری چند سال قبل پیش بینی کرده بود، آشکار شد که افغانها پس از نهر سراج مشغول انشعاب نهر بغرا از رود هیرمند هستند که از نهر

۸۶. روزنامه اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۲۹۴۰ (سه شنبه ۲۸ مهر ۱۳۱۵)، ص ۵.

۸۷. روزنامه اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۲۵۹۲ (دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۱۵)، ص ۱، ۴ و ۸.

۸۸. روزنامه اطلاعات، سال یازدهم، شماره ۲۵۹۳ (سه شنبه ۱۲ آبان ۱۳۱۵)، ص ۴.

۸۹. وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۱۳.

۹۰. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۳، پرونده ۳۳/۳، سند ۱۲ - ۱۳.

۹۱. همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۳، پرونده ۳۳/۳، سند ۱۵.

سراج بزرگتر بود.^{۹۲} برای جلوگیری از اقدامات عمرانی افغان‌ها، باقر کاظمی - که به تازگی از سمت وزارت خارجه برکنار شده بود - به سرعت برای انعقاد قرارداد عازم کابل شد. وی پس از مطالعه و مذاکره با افغان‌ها، پیشنهاد ایجاد نهر جدید یا تنقیه و تعریض و عمیق کردن نهر قدیم سمت چپ هیرمند را داد. اما رضاشاه که اجرای مفاد پیمان سعدآباد را برای تضمین سیاست حسن همجواری و رهایی از وابستگی به بریتانیا و روسیه، تمامیت ارضی ایران و آسوده شدن از سوی همسایگان خود بسیار حیاتی می‌دانست، ضمن این که پیشنهاد را دارای محسناتی دانست اما معتقد بود چون با مخالفت افغان‌ها مواجه می‌شود دستور داد وعده اجرای آن را به آینده موکول کنند تا قرارداد قطعی هرچه سریع‌تر امضا شود.^{۹۳} وزارت خارجه بنا بر امر رضاشاه به کاظمی دستور داد فعلاً مسأله حفر نهر جدید بین بند کمال‌خان و بند کوهک را در صورت مخالفت افغان‌ها مسکوت بگذارد تا پس از گذشتن دو سه سالی از امضای قرارداد و رفع سوتفاهمات موجود مجدداً مذاکره شود. به پیشنهاد کاظمی و تصویب هیأت وزیران، برای اطمینان کامل یافتن از جلوگیری از نقصان و کسری آب در نتیجه اقدامات افغان‌ها در خاک خود و با وجود پیش‌بینی این امر در ماده قرارداد مقرر شد، اعلامیه مشترکی به هنگام امضای قرارداد در همین زمینه از طرف نمایندگان دو دولت امضا شود.^{۹۴}

در ششم بهمن (دلو) ۱۳۱۷ (۲۶ ژانویه ۱۹۳۹)^{۹۵} قرارداد آب مشتمل بر ۱۶ ماده و یک اعلامیه در کابل به امضای باقر کاظمی و علی‌محمدخان وزیر خارجه افغان رسید. این قرارداد در دو نسخه به زبان فارسی تهیه شد و هر دو نسخه آن معتبر بود. این قرارداد و اعلامیه متمم آن در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ ش به تصویب و تأیید مجلس شورای ملی ایران رسید و مدتی بعد به امضای شاه رسید. دولت افغانستان قرارداد و اعلامیه متمم را امضا کرد، مجلس شورای ملی افغانستان نیز قرارداد را تصویب اما اعلامیه متمم را رد کرد.^{۹۶}

عبدالصابر جنبش، مورخ افغانی، بدون اشاره به رد اعلامیه معتقد است که قرارداد را مجلس وزرای افغانستان (دولت افغانستان) تأیید اما شورای ملی از تأیید آن خودداری کرد.^{۹۷} غبار نیز معتقد

۹۲. زند، ص ۴۷ - ۴۸.

۹۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۷، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳، سند ۸۱.

۹۴. همان، سال ۱۳۱۷، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳، سند ۸۲.

۹۵. مهندسین مشاور فرپاک، ج ۱، ص ۷۲. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲ (قم: احسانی، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۶۴.

این تاریخ را در ۸ دلو ۱۳۱۷ (۲۸ ژانویه ۱۹۳۹)، نیز ذکر کرده‌اند؛ وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۱۳.

۹۶. مهندسین مشاور فرپاک، همان، ص ۶۹؛ وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۱۳. زند، ص ۴۳؛ جوابیه وزیر کشاورزی در پاسخ به

سوال منصف و دهقان در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی آمده است: دوره ۱۵، جلسه ۱۹، ص ۲۰.

۹۷. عبدالصابر جنبش، افغانستان در دوران صدارت سردار محمد دادودخان (پیشاور: مرکز نشرات سعید دهکی، ۱۳۸۵)، ص ۹۲.

است که شورای ملی افغانستان قرارداد را رد کرد.^{۹۸} به نوشته فریدون زند، هیأت انجمن شورای ملی افغانستان، قرارداد را در تاریخ ۲۰ بهمن (دلو) ۱۳۱۷ تصویب ولی اعلامیه را رد کرد. مجلس شورای افغانستان نیز قرارداد را در تاریخ اول تیر (سرطان) ۱۳۱۸ تصویب کرد ولی از قبول اعلامیه امتناع ورزید.^{۹۹} غبار به صراحت ناراضیتی خود را از این قرارداد ابراز می‌کند. وی اقدام وزارت خارجه افغانستان در امضای قرارداد را «در نهایت دریادلی» و بخشیده شدن «نصف آب هلمند با نام تاریخی سیستان از طرف دولت افغانستان به ایران» توصیف می‌کند.^{۱۰۰}

عدم تصویب اعلامیه منضم به قرارداد در مجلس شورای افغانستان دلایل متعدد و ناهمگنی داشت که در عین حال بسیار به هم گره خورده بود: از آن میان ساختار پیچیده و روحیات قبیله‌ای - عشیره‌ای نمایندگان و مقامات افغان،^{۱۰۱} صاحب‌نفوذ بودن خوانین سرحدی افغان،^{۱۰۲} گره خوردن پروژه بلندپروازانه و در حال برنامه‌ریزی شده وادی هلمند و ارغنداب با پیشرفت کشور و منافع ملی و وابستگی کامل درآمد افغانستان به صادرات کشاورزی و پوست قره‌قل،^{۱۰۳} تسلط فقه حنفی در باب نحوه استفاده از آب رودخانه‌ها^{۱۰۴} در امور اداری - قضایی و در سطح جامعه با توجه به بالادست بودن موقعیت افغان‌ها و محق دانستن خود به استفاده کامل از آب هیرمند به عنوان رود داخلی،^{۱۰۵} تأکید افغان‌ها در مذاکرات بر قانونی بودن حکمیت مکماهون و اجرای آن.^{۱۰۶} در این میان مهم‌ترین علت‌ها، سوءظن شدید افغان‌ها به مداخله دولت ایران در امور داخلی افغانستان به بهانه بازدید از محل‌های اندازه‌گیری آب و محل تقسیم آب بود.^{۱۰۷} علت بسیار مهم دیگر این بود که اعلامیه،

۹۸. غبار، ج ۲، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶۴.

۹۹. زند، ص ۴۴.

۱۰۰. غبار، ج ۲، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶۱ - ۱۱۶۴.

۱۰۱. عبدالقیوم سجادی «قدرت سیاسی و ساختار قبیله‌ای» مجله فجر امید سال چهارم، شماره ۳۷ - ۳۶ (حمل و ثور ۱۳۷۸)،

ص ۱۲ - ۹؛ عبدالقیوم سجادی، جامعه شناسی سیاسی افغانستان (قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰)، ص ۴۳ - ۴۳.

۱۰۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳، سند ۱۳.

۱۰۳. تولواک موئین کران، هیرمند (کابل: دولتی مطبعه افغانستان، اسد ۱۳۳۷)، ص ۳۴ - ۱.

۱۰۴. آ.ک. س. لمبتون، . مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۳۸۲. عبدالحمید محمود طهماز، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، الجزء الرابع (دمشق: دارالقلم، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۲۲ ق)، ص ۵۲ - ۴۸. سالنامه کابل، «اصول اساسی دولت علیه افغانستان» ۱۳۱۳، ص ۳، ۴ و ۱۶.

۱۰۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۹۰، غبار، ج ۲، ص ۱۱۵۶؛ مجتهدزاده، امیران

مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ص ۴۳۱.

۱۰۶. همان، سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۶ - ۸۷.

۱۰۷. زند، ص ۴۶.

دولت افغانستان را به لحاظ حقوقی متعهد می‌کرد که در بالای بند کمال‌خان به اندازه‌ای از آب هیرمند استفاده کند که باعث کاهش سهمیه آب سیستان نشود.

آگاهی کامل مقامات ایران از وجود سوءظن و نگرانی شدید افغان‌ها از مداخله در امور داخلی‌شان را به خوبی می‌توان در ابتدای اعلامیه منضم به قرارداد مشاهده کرد که حتی تضمین دولت ایران به عدم مداخله نیز به نظر می‌رسد نتوانست سوءظن شدید افغان‌ها را کاهش دهد. در مقابل ایران نیز با آگاهی از برنامه بلندپروازانه و بلندمدت افغان‌ها برای توسعه کشاورزی و دامداری خود در قالب پروژه «وادی هلمند و ارغنداب» و عدم اعتماد به قول و وعده افغان‌ها، با توجه به خلف وعده مکرر افغان‌ها، در ادامه اعلامیه خواهان تضمین رسیدن آب موردنیاز به سیستان شد. بنابراین اعلامیه نشان‌دهنده بی‌اعتمادی میان دو دولت و مردم دو کشور بود. دربارهٔ ضرورت این اعلامیه در ابتدای آن چنین قید شده است:

برای آن که هیچ نوع سوءظن بین ساکنین سیستان و چخانسور و بالطبع بین حکومت‌های دو طرف باقی نماند و ساکنین طرفین مزبور بتوانند با نهایت یکرنگی و اتحاد مقابل به دوستی و همکاری یکدیگر اطمینان نمایند اعلامیه مشترک را امضا و به قرارداد آب هیرمند الحاق می‌کنند. دو دولت برای تضمین دادن به یکدیگر متعهد شدند. دولت ایران تعهد داد که تنها هدف از انعقاد قرارداد آبیاری سیستان است و هیچ مقصودی در بدست آوردن وسیله و بهانه مداخله در داخل افغانستان ندارد و پیوسته آرزوی ترقی و تعالی افغانستان را دارد... [دولت ایران، در قبال آن تعهد از دولت افغانستان خواست که تعهد کند] به هیچ‌وجه قصد تضييق، فشار و نرسیدن آب سیستان ندارد و به این منظور اجازهٔ اقداماتی که موجب نقصان آب سهمی ایران در بند کمال‌خان [شود] بر اساس مادهٔ اول قرارداد، نخواهد داد که منجر به ضرر رساندن به کشاورزی و آبیاری سیستان شود.^{۱۰۸}

دولت ایران اعلامیه را جزء لاینفک قرارداد می‌دانست و استدلال می‌کرد دو دولت هم قرارداد و هم اعلامیه را با هم قبول کردند و تفکیک آنها از یکدیگر غیرقابل قبول است و عدم تصویب اعلامیه سبب می‌شود که مفاد قرارداد اجرا نشود. اما دولت افغانستان مدعی بود که اعلامیه یک سند جداگانه است و تعهد مندرج در آن را نیز تعهد مکرری می‌دانست زیرا معتقد بود که مفاد اعلامیه در مواد اول و دوم و هشتم قرارداد گنجانده شده است. دولت ایران معتقد بود که قرارداد بدون شرط مندرج در اعلامیه ارزشی ندارد چرا که در آن صورت افغان‌ها می‌توانند از بند کمال‌خان

به بالا بدون هیچ قید و شرطی از آب هیرمند استفاده کنند و عملیات عمرانی آن‌ها در مسیر هیرمند در صورتی هم که موجبات نقصان سهم ایران را فراهم می‌سازد نمی‌تواند مورد ایراد و اعتراض دولت ایران قرار گیرد.^{۱۰۹}

دولت ایران بعد از رد اعلامیه از سوی افغان‌ها نومید نشده سعی کرد دولت افغانستان را به هر وسیله‌ای به قبول اعلامیه متقاعد کند. تا برای تأمین آب سیستان تضمینی حقوقی دست یابد. اصرار دولت ایران سبب شد پس از یک سلسله مذاکرات، دولت افغانستان سه طرح به دولت ایران پیشنهاد کند که سفارت ایران در کابل در ۸ دی ۱۳۱۸ به وزارت خارجه ایران ارسال کرد. دو طرح پیشنهادی دولت افغانستان دو متن تنظیم شده بود که در صورت قبول هریک از طرف ایران، به جای اعلامیه سابق به قرارداد منضم می‌شد. در طرح سوم دولت افغانستان پیشنهاد کرد در صورتی که دولت ایران همچنان بر اعلامیه سابق اصرار دارد، وزیر امور خارجه ایران و یا سفیر کبیر ایران در کابل ضمن نامه رسمی اعلامیه قبلی را با این مضمون تعبیر و تفسیر کند: «به شما اطمینان می‌دهم که استعمال آب دریای هیرمند به بالای بند کمال‌خان برای توسعه زراعت و آبیاری کشور افغانستان ابداً در نظر دولت شاهنشاهی ایران موجب تضییق و فشار و نرسیدن آب به سیستان نبوده و به هیچ‌وجه مورد اعتراض نخواهد بود.»^{۱۱۰} دولت ایران با توجه به تصویب اعلامیه قرارداد ۱۳۱۷ از سوی مجلس شورای ملی ایران و احترام گذاشتن به تصمیم مجلس از میان سه طرح پیشنهادی افغان‌ها، طرح سوم را انتخاب کرد و بر اساس آن با دولت افغانستان وارد مذاکره شد. در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۱۹ وزارت خارجه از طریق سفارت ایران در کابل پیشنهاد کرد، دولت افغانستان اعلامیه منضم به قرارداد را که قبلاً به امضای نمایندگان رسیده بود، بدون تغییر تصویب کند. اسناد تصویبی قرارداد در تهران مبادله شود و در مقابل وزیر خارجه ایران در روز مبادله اسناد برای اطمینان خاطر به دولت افغانستان در نامه‌ای به سفیر کبیر افغانستان در تهران اطمینان می‌دهد با مبادله اسناد مصوب قرارداد آب هیرمند و اعلامیه ملحق به آن، استعمال آب از بند کمال‌خان به بالا با مراعات قرارداد آب هیرمند و مخصوصاً ماده دوم از آن به منظور زراعت و آبیاری افغانستان مورد اعتراض دولت ایران واقع نخواهد شد. در ۳۰ آذر ۱۳۱۹ سفارت ایران در کابل اطلاع داد وزیر خارجه افغانستان با طرح پیشنهادی موافق است. اما از آنجا که دولت افغانستان حاضر به پذیرش اعلامیه نبود، شروع به ایراد گرفتن در مفاد این نامه کرد. ابتدا اظهار داشت که به

۱۰۹. زند، ص ۴۴.

۱۱۰. زند، ص ۴۴.

جای جمله با «مراعات قرارداد آب هیرمند» و مخصوصاً ماده ۲ آن فقط عبارت «مطابق قرارداد» قید شود. دولت ایران که حسن نیت داشت و خواستار حل فوری و قطعی مسأله آب بود، با توجه به اینکه ماده ۲ جزو قرارداد محسوب می‌شد، با این اصلاحیه موافقت کرد. مدتی بعد دولت افغانستان بهانه‌ای دیگر را پیش کشید و مجدداً پیشنهاد کرد که به جای عبارت «به منظور زراعت و آبیاری افغانستان» عبارت «به منظور توسعه زراعت و آبیاری افغانستان» در متن گنجانده شود. دولت ایران متوجه این موضوع بود که افغان‌ها با استناد به واژه «توسعه» می‌توانستند زراعت خود را در مسیر هیرمند آزادانه توسعه دهند که طبعاً سبب تقلیل آب سهمی ایران در بند کمال‌خان می‌شد و از این رو، با این پیشنهاد موافقت نکرد.^{۱۱۱}

در پی عدم توافق بر سر متن نامه، مذاکرات مدتی دچار وقفه شد. از مذاکرات بی‌نتیجه فوق و بهانه‌های دولت افغانستان و به‌ویژه از یادداشت ۲۴ مرداد ۱۳۲۶ آشکار می‌شود که دولت افغانستان نیز با اعلامیه ملحق به قرارداد موافق نبوده است و شاید با برنامه از پیش تعیین شده، مطمئن بوده که مجلس شورای افغانستان اعلامیه را نخواهد پذیرفت. وزارت خارجه افغانستان در ۲۴ مرداد ۱۳۲۶ در خصوص رد پیشنهاد ایران مبنی بر اعزام کمیسیون مختلط برای بررسی هیرمند به صراحت اظهار داشت که هیچ قراری حق نظارت در مسیر هیرمند را به دولت ایران واگذار نکرده است و ملت افغانستان چنین اقدامی را مداخله در امور داخلی خود تلقی می‌کند. افغانستان در بالای بند کمال‌خان آزاد است که بدون هیچ قید و شرطی از آب هیرمند استفاده کند. حق ایران از رود هیرمند فقط وصول میزان آبی است که با آن بتوان زراعت مشروع سیستان را تأمین کرد.^{۱۱۲}

کشیده شدن جنگ جهانی دوم به خاورمیانه و عدم اجابت خواسته‌های متفقین در خصوص اخراج متخصصان آلمانی و اعلان جنگ به دول محور از سوی دولت ایران که پیش از آن اعلام بیطرفی کرده بود، منجر به اشغال ایران توسط متفقین، در شهریور ۱۳۲۰ (اگوست ۱۹۴۱) و متعاقب آن استعفای رضاشاه و خروج وی از کشور شد.^{۱۱۳} کناره‌گیری رضاشاه، جامعه را دچار هرج و مرج کرد و

۱۱۱. زند، ص ۴۵ - ۴۴.

۱۱۲. همان، ص ۴۶.

۱۱۳. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ ۴ (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳)، ص ۱۸۰ - ۱۸۱؛ گاوین همبلی، «یکه‌سالاری محمدرضا شاه ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰»، تاریخ ایران از مجموعه کمبریج، ج ۷، دفتر ۲ (تهران: جامی، ۱۳۸۸)، ص ۴۶ - ۴۵؛ لوئیس فارست، ایران و جنگ سرد بحران آذربایجان (۱۳۲۵ - ۱۳۳۴)، ترجمه کاوه بیات (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۶ - ۵؛ عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: امیرکبیر، چ پنجم، ۱۳۷۵)، ص ۴۰۹ - ۴۰۱؛ مجید مهران، در کریدورهای وزارت خارجه چه خبر؟ خاطرات یک دیپلمات قدیمی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۳)، ص ۱۴۱ - ۱۳۹ و ص ۱۵۲ - ۱۵۱؛ خاطرات محمد ساعد مراغه‌ای، به کوشش باقر عاقلی (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۳)، ص ۱۳۶ - ۱۰۷.

Rouhollah k. Ramazani, *irans foreign policy 1941 - 1973* (Virginia: university press of Virginia, 1975), pp. 27 - 44.

تنها حضور نیروهای خارجی مانع از فروپاشی سیستم سیاسی شد.^{۱۱۴} در نتیجه مسأله آب هیرمند به خودی خود تحت‌الشعاع موضوعات مهم‌تری چون قحطی و فقر، بیکاری، تورم و گرانی، عدم امنیت و مشکلات ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و غائله کردستان و آذربایجان^{۱۱۵} قرار گرفت. با این حال از سال ۱۳۲۱ دولت به وضعیت بد اراضی خالصه سیستان و عدم بهبود کشت توجه نشان داد. اگرچه همانند سال‌های گذشته اقدامی عملی صورت نگرفت.^{۱۱۶}

اخبار رسیده از افغانستان مبنی بر فعالیت مجدد افغان‌ها برای احداث کانال و نهر بغرا واکنش‌هایی را در ایران در پی داشت. اسدالله علم استاندار سیستان،^{۱۱۷} مردم سیستان،^{۱۱۸} محمدعلی منصف نماینده بیرجند، دهقان^{۱۱۹} و مهندس رضوی در مجلس شورای ملی،^{۱۲۰} مطبوعات^{۱۲۱} و در نهایت دولت ایران واکنش‌هایی نشان دادند.^{۱۲۲} در سال ۱۳۲۵ ش مکاتبات حول مذاکرات سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ ادامه یافت اما افغان‌ها همچنان بر مواضع قبلی خود نسبت به آب هیرمند در بالای بند کمال‌خان تأکید داشتند و مکاتبات به نتیجه‌ای نرسید.^{۱۲۳}

در سال ۱۳۲۶ خشکسالی در منطقه رخ داد که منجر به تیرگی و قطع روابط دو کشور شده، سفرای دو کشور احضار شدند و دولت ایران تصمیم به ارجاع مسأله به سازمان ملل گرفت. وساطت دولت آمریکا و تشکیل کمیسیون بیطرفی مرکب از سه کارشناس آب از کشورهای شیلی، کانادا و آمریکا و عدم پذیرش آن از سوی دو کشور^{۱۲۴} و مذاکرات واشنگتن میان نمایندگان دو کشور نیز به نتیجه‌ای نرسید. در همین حال پروژه وادی هلمند و به بهره‌برداری رسیدن نهر و کانال بغرا،

114. Ramazani, The foreign policy of Iran 1500 - 1941, p. 303.

۱۱۵. کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰. *خاطرات محمد ساعد مراغه‌ای*، ۱۳۷۳، ص ۲۲۴ و ۲۴۴.

۱۱۶. لمبتون، ۱۳۷۷، ص ۴۴۷ - ۴۴۳.

۱۱۷. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۵/۷۹۴۰.

۱۱۸. همان، ۸۲۴۴/۳.

۱۱۹. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۱۹، سه شنبه ۱۳۲۶/۶/۳۱، ص ۲۰: burrell, vol13, p. 30.

۱۲۰. احمد رضوی نماینده کرمان در جلسه رأی اعتماد به کابینه ساعد، موضوع آب هیرمند را از جمله صریح‌ترین و روشن‌ترین مسایلی دانست که باید توجه شود: *خاطرات محمد ساعد مراغه‌ای*، ص ۲۴۴؛ صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه

۱۲۲، شنبه ۳ آذر ۱۳۲۷، ص ۱۲۳.

۱۲۱. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۷ - ۸ - ۸۲۴۴/۹.

۱۲۲. همان، ۸/۷۹۴۰.

۱۲۳. زند، ص ۴۵.

۱۲۴. منبع افغانی سوابق و اسناد از آب هلمند، معتقد است که دولت افغانستان گزارش کمیسیون بیطرف دلتای هیرمند را

پذیرفت. وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۳۹.

ساخت سد بزرگ کجکی بر نگرانی دولت ایران بیش از پیش افزود. خشکسالی گسترده در سال ۱۳۴۵ مجدداً مسأله را به بحرانی جدی میان دو کشور تبدیل کرد که پس از چندین سال مذاکره و گفتگو با تلاش محمود فروغی سرانجام در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ (۱۳ مارس ۱۹۷۳) قرارداد آب هیرمند امضا شد.^{۱۲۵}

حوادث داخلی افغانستان در طی پنج سال، شامل برکناری محمدظاهرشاه از سلطنت و ایجاد نظام جمهوری به دست سردار محمد داودخان در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳م)، کودتای مارکسیست‌ها در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸م)، جنگ قدرت میان دو شاخه خلق و پرچم و به دنبال آن اشغال افغانستان از سوی اتحاد جماهیر شوروی^{۱۲۶} از یکسو و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران از دیگر سو، سبب شد که مسأله کاملاً تحت‌الشعاع قرار گرفته و اجرای قرارداد را به تعویق انداخت. پس از خروج نیروهای اشغالگر شوروی از افغانستان، جنگ قدرت میان گروه‌های مجاهدین با شدت ادامه یافت که منجر به قدرت رسیدن گروه بنیادگرای طالبان شد.^{۱۲۷} اختلافات شدید ایدئولوژیکی میان دولت ایران و طالبان عدم شناسایی دولت طالبان از سوی ایران و قطع موقتی آب رود هیرمند به دلیل خشکسالی سبب تیره شدن روابط دو کشور شد.^{۱۲۸} با روی کار آمدن دولت حامد کرزای، پس از ۲۳ سال وقفه، نخستین نشست در شهریورماه ۱۳۸۳ میان کمیساران آب ایران و افغان برگزار شد^{۱۲۹} و همچنان ادامه دارد.

نتیجه گیری

مسأله آب هیرمند پس از استقلال افغانستان از بریتانیا وارد دور جدیدی شد و به دولت افغانستان

-
۱۲۵. خاطرات محمود فروغی، ص ۱۵۸ - ۱۶۰. فرهنگ، ج ۲، ص ۷۶۲، ۷۶۸ - ۷۶۶؛ رخشانی، ص ۱۴۹ - ۱۴۱؛ مجتهدزاده، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ص ۴۶۰ - ۴۵۵. رباب حسینی، «تقسیم آب هیرمند و انعکاس آن در روابط ایران و افغانستان»، فصلنامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد، سال دوم، دفتر اول و دوم (بهار و تابستان ۱۳۷۱)، ص ۴۸ - ۴۵؛ وزارت اطلاعات و کلتور، ص ۲۰ - ۵۳. ۱۲۶. سلطانهلی کشتمند، یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی، ج اول و دوم (لندن: نجیب کبیر، ۲۰۰۲ م) ص ۶۰۹ - ۳۵۰؛ سیستانی، مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان، ص ۱۳۶ - ۸۱. ۱۲۷. سیستانی، مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان، ص ۳۶۶ - ۱۳۲. روح‌زنده، ص ۱۵۸ - ۱۷۰. سجادی، ص ۱۷۲ - ۲۶۴. ناصر تکمیل همایون، مرزهای ایران در دوره معاصر؛ از ایران چه می‌دانم؟/ ۱۳ (تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۸۰)، ص ۵۹. ۱۲۸. علی شعبانی، در امتداد حیات سیستان: یادداشتهای سفر به افغانستان (زاهدان: تفتان، ۱۳۸۶)، ص ۲۷، ۳۹ و ۷۳. روزنامه بهار، سال اول، شماره صفر (دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۹)، ص ۱۴؛ روزنامه قدس رضوی، «نگاهی به پیشینه سیاسی - تاریخی رود هیرمند»، (۱۳۸۱/۱۰/۱۵). ۱۲۹. محمد فتحی، «تهران کابل و آب هیرمند»، گزارش، شماره ۱۶۱ (اسفند ۱۳۸۳)، ص ۲۵.

امکان داد که در اختلافات مرزی و از جمله مسأله آب مستقیماً به مذاکره با طرف دعوا بپردازد. از سوی دیگر دولت ایران در دوره رضاشاه برای رهایی از وابستگی به روسیه و بریتانیا در سیاست خارجی خود، سیاست «حسن همجواری» را در قبال همسایگان خود در پیش گرفت و عملاً سیاست سنتی و پیشین ایران را در سیاست خارجی کنار گذاشت. سیاست جدید علناً اظهار داشت که هیچ چشم‌داشتی به هرات و سرزمین‌های از دست رفته خود ندارد. این سیاست واقع‌گرایی دولت ناشی از این واقعیت بود که دولت اهداف خود را با امکانات کشور مطابقت داده بود. دولت ایران برای تحقق اهداف خود درصدد برآمد تا اختلافات مرزی و آبی را با همسایگان خود به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکرات حل و فصل کند. بر این اساس دولت ایران موفق شد به ترتیب اولویت با ترکیه، عراق و افغانستان به توافق برسد. اما مسأله آب هیرمند به دلیل عدم امکان واگذاری آن به دلیل جریان داشتن آب و وابستگی کامل حیات سیستان به آب هیرمند همچنان لاینحل ماند و مذاکرات چندین سال در جریان بود؛ بدون آنکه دو طرف به نتیجه دلخواه دست یابند. عدم توافق ناشی از بی‌اعتمادی متقابل طرفین دعوا بود. ماده اول قرارداد مانع عمده توافق بود که با مقاصد افغان‌ها برای اجرای پروژه‌های بلندمدت و پرهزینه آبیاری و سدسازی تحت عنوان «پروژه وادی هلمند و ارغنداب» در تضاد بود.

در شرایط فوق، سه کشور ایران، ترکیه و عراق برای انعقاد پیمان عدم تعرض در چارچوب میثاق جامعه ملل به توافق رسیده و پیش‌نویس آن را امضا کرده بودند. حضور افغانستان در پیمان نیز ضروری می‌نمود؛ برای پیوستن افغانستان به پیمان، فیصله‌دادن به مسأله آب هیرمند لازم بود. بنابراین ابتدا در سال ۱۳۱۵ قرارداد موقتی به امضا رسید تا شرایط برای امضای پیمان سعدآباد فراهم شود و سال بعد در ششم بهمن ۱۳۱۷، قرارداد آب به همراه اعلامیه ضمیمه در کابل به امضای نمایندگان دو دولت رسید. در شرایطی که دولت ایران و مجلس شورای ملی و دولت افغانستان قرارداد و اعلامیه را امضا و تصویب کرده بودند، مجلس شورای افغانستان به رغم تصویب قرارداد، اعلامیه را به بهانه زاید بودن رد کرد. رد اعلامیه دلایل متعددی داشت که مهم‌ترین از همه این بود که آن را مداخله در امور داخلی خود تلقی می‌کرد و نیز این که به لحاظ حقوقی متعهد می‌شد تا از آب هیرمند در بالای بند کمال‌خان استفاده بیش از مجاز نکند و به سهمیه آب سیستان لطمه‌ای وارد نشود. در حالی که برای اجرای پروژه‌های بلندپروازانه آینده خود نیاز مبرم به استفاده بی‌قید و شرط از آب رود هیرمند داشت. با توجه به این که دولت ایران تصویب قرارداد را بدون اعلامیه بی‌فایده و اعلامیه را تضمینی برای اجرای قرارداد تلقی می‌کرد و بر ضرورت آن تأکید داشت، بر

تصویب همزمان قرارداد و اعلامیه از سوی مجلس شورای افغانستان همچنان اصرار داشت. بنابراین مذاکرات برای رسیدن به راه‌حل منطقی ادامه یافت، اما حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و استعفای رضاشاه مسأله را تحت‌الشعاع قرار داد و تا دهه‌های بعد همچنان محل اختلاف بود.

کتابنامه

- آدامک، لودویگ. *تاریخ روابط سیاسی افغانستان (در نیمه نخست سده بیستم)*. ترجمه محمد فاضل صاحب‌زاده، چ دوم پاریس: بنگاه انتشارات پاییز، ۱۳۸۴.
- آدامک، لودویگ. *تاریخ روابط سیاسی افغانستان (از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال)*. ترجمه علی محمد زهما، کابل: بنگاه انتشارات میوند، کتابخانه سبا، ۱۳۴۹.
- ارفع، حسن. *در خدمت پنج سلطان*، ترجمه سید احمد نواب (صفوی). تهران: انتشارات مهرآئین، ۱۳۷۷.
- امین، حمیدالله. *نظری به جغرافیای زراعتی افغانستان*. کابل: دپوهنی مطبعه، ۱۳۵۲.
- آوری پتر، همبلی گاوین، ملویل چارلز و... *تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج) از رضاشاه تا انقلاب اسلامی*. جلد هفتم، دفتر دوم. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی، ۱۳۸۸.
- بهمنی قاجار، محمدعلی. *ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۵.
- پروتکل منضمه به عهدنامه ودادیه و تأمینیه ۶ قوس ۱۳۰۶ مابین دولتین افغانستان و ایران. کابل: مطبعه شرکت رفیق، ۱۳۰۷.
- تکمیل همایون، ناصر. *مرزهای ایران در دوره معاصر (از ایران چه می‌دانم؟)* ۱۳/۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- توکل، احمد. *تاریخ روابط ایران و افغانستان*. تهران: چاپخانه مهر، ۱۳۲۷.
- تولواک، مومنین کران. *هیرمند*. کابل: دولتی مطبعه افغانستان، ۱۳۳۷.
- تیت، جی. پی. سیستان، به کوشش غلامعلی رئیس‌الذاکرین. مشهد: انتشارات اداره حفظ و میراث فرهنگی، ۱۳۶۲.
- جنبش، عبدالصابر. *افغانستان در دوران صدارت سردار محمد دادودخان*. پیشاور: مرکز نشرات سعید دهکی، ۱۳۸۵.
- حسیبی، رباب. «تقسیم آب هیرمند و انعکاس آن در روابط ایران و افغانستان (۱۳۳۸ - ۱۳۰۷)». *فصلنامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد*، سال دوم، دفتر اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۱. ص ۴۴ - ۶۱.
- حسینی، حمید. «مائیم و یک هیرمند که آن هم آب ندارد». *روزنامه آسیا*، ۱۳۸۱/۸/۲۳.
- خاطرات سیاسی محمد ساعد مراغه‌ای. به کوشش باقر عاقلی. تهران: نشر نامک، ۱۳۷۳.
- خاطرات محمود فروغی. به کوشش حبیب لاجوردی. تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۳.
- دهباشی، حسین. *افغانستان... روزهای سقوط*. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری نقش جهان هنر، ۱۳۷۹.

رایت، دنیس. انگلیسیها در میان ایرانیان. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
 رخشانی، محمدتقی. مرزبندی‌های سیستان در تاریخ معاصر ایران (قاجار و پهلوی). زاهدان: تفتان، ۱۳۸۵.
 روح زنده، جمیله. گذری بر تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان از اوایل قاجاریه تا ظهور پدیده طالبان. تهران:
 صبحدم، ۱۳۸۴.

روزنامه اطلاعات. سال یازدهم، شماره ۲۵۹۲. دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۱۵. ص ۱، ۴ و ۸.
 روزنامه اطلاعات. سال ششم، شماره ۱۳۵۴. سه شنبه ۸ تیر ۱۳۱۰. ص ۳.
 روزنامه اطلاعات. سال یازدهم، شماره ۲۵۹۳. سه شنبه ۱۲ آبان ۱۳۱۵. ص ۴.
 روزنامه اطلاعات. سال یازدهم، شماره ۲۹۴۰. سه شنبه ۲۸ مهر ۱۳۱۵. ص ۵.
 روزنامه آینده ایران. شماره ۱۷ و ۱۸، سال چهارم. شنبه ۱۸ آذر ۱۳۱۲/۲۰ شعبان ۱۳۵۲. ص ۱.
 روزنامه بهار. سال اول، شماره صفر. دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۹. ص ۱۴.
 روزنامه قدس. «نگاهی به پیشینه سیاسی - تاریخی رود هیرمند.» ۱۳۸۱/۱۰/۱۵.
 زند، فریدون. «مسأله آب هیرمند.» نشریه وزارت امور خارجه. دوره دوم، شماره ۳ (مهر ۱۳۳۵). ص ۳۶-۵۹.
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. پرونده ۰۳۴۰۰۱۰۴۰.
 — برگ ۲ و ۳ سند ملی ۳۴۰۰۳۵۵۱۴.

سالنامه مجله کابل. «اجراء دواير مملکتی - امور خارجیه.» ۱۳۱۳. ص ۱۰۳-۸۱.
 سالنامه مجله کابل. «اصول اساسی دولت علیه افغانستان.» ۱۳۱۳. ص ۱۶-۳.
 سایکس، سر پرس. ده هزار مایل در ایران (سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس). ترجمه حسین سعادت نوری.
 تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.

سجادی، سید عبدالقیوم. جامعه شناسی سیاسی افغانستان. قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.
 سجادی، عبدالقیوم. «قدرت سیاسی و ساختار قبیله‌ای.» فجر امید، سال چهارم، شماره ۳۶-۳۷، حمل و ثور
 ۱۳۷۸.

سواد معاهده دولتین علیتین افغانستان و ایران. کابل: مطبعه ماشین خانه سنگی، بی تا.
 سید رسول. نگاهی به عهد سلطنت امانی. پیشاور: سبا کتابخانه. ۱۳۶۳.
 سیستانی، محمداعظم. مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان. بی جا، اداره دارالنشر، ۲۰۰۰.
 سیستانی، ملک‌شاه حسین. احياء الملوك. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
 سیفی‌اعلا، مسعود. «هیرمند، ما و افغانستان.» روزنامه آسیا، ۱۳۸۱/۸/۲۹.
 شاهرخی، مهدی. جغرافیای کشاورزی و اقتصادی استان سیستان و بلوچستان. ج اول. تهران: اداره کل کشاورزی
 سیستان و بلوچستان و وزارت کشاورزی و طبیعی، ۱۳۵۱.

شعبانی، علی. در امتداد حیات سیستان (یادداشتهای سفر به افغانستان). زاهدان: تفتان، ۱۳۸۶.
 شورماچ، محمد اکبر (نورستانی). جغرافیای عمومی افغانستان. کابل: انتشارات زوری، ۱۳۵۰.
 صفی‌نژاد، جواد. بنه. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
 صورت مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۱۵، جلسه ۱۲۲، شنبه ۳ آذر ۱۳۲۷. ص ۱۲۳.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۱۵، جلسه ۱۹، سه شنبه ۱۳۲۶/۶/۳۱. ص ۲۰.
ضیایی پرور، حمید. «آب هیرمند و سخنی با عبدالله عبدالله». روزنامه خراسان، شنبه ۱۳۸۱/۸/۴.
طهماز، عبدالحمید محمود. *الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، الجزء الرابع*. دمشق: دارالقلم، بیروت: دارالشامیه.
۱۴۲۲ق.

عظیمی، محمد عظیم. *جغرافیای افغانستان*. مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۸۷.
فارست، لوئیس. *ایران و جنگ سرد بحران آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵)*. ترجمه کاوه بیات. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴.

فتحی، محمد. «تهران کابل و آب هیرمند». گزارش، ش ۱۶۱، اسفند ۱۳۸۳. ص ۲۵-۲۲.
فرخ مهدی. *تاریخ سیاسی افغانستان*. قم: انتشارات احسانی. ۱۳۷۱.

فرخ، مهدی. *خاطرات سیاسی فرخ*. به کوشش پرویز لوشانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.
فرخ، مهدی. *نظری به مشرق*. تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۴.

فرهنگ، میر محمد صدیق. *افغانستان در پنج قرن اخیر*. ج ۲. تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۷۴.

فرهنگ، میر محمد صدیق. *افغانستان در پنج قرن اخیر*. ج ۱، مشهد: انتشارات درخشش، ۱۳۷۱.

فروغی، محمدعلی. «مسافرت امان‌الله خان پادشاه افغانستان به ایران». یغما، سال اول، شماره ششم. شهرپور
۱۳۲۷. ص ۲۸۳-۲۷۴.

الفنستون، مونت استوارت. *افغانان (گزارش سلطنت کابل)*. ترجمه محمد آصف فکرت. مشهد: بنیاد پژوهشهای
اسلامی، ۱۳۷۷.

کاتوزیان، محمدعلی همایون. *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا
نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.

کاظم‌زاده، فیروز. *روس و انگلیس در ایران: ۱۹۱۴-۱۸۱۴*؛ پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری.
تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

کشتمند، سلطانعلی. *یادداشت‌های سیاسی و رویدادهای تاریخی*. ج اول و دوم. لندن: نجیب کبیر، ۲۰۰۲.

کمپف، اویگن. کا. «تحقیقات زمین‌شناسی دوره چهارم در سیستان». *افغانستان مروری بر نشست مانهایم*.
ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۷۱.

گفتگوی احمد احرار با احمد میرفندرسکی. *دیپلمات و سیاست خارجی از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷*.
تهران: علم، ۱۳۸۲.

لمبتون، آ.ک.س. *مالک و زارع*، ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۷.

متولی حقیقی، یوسف. *افغانستان و ایران*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
مجتهدزاده، پیروز. *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری. تهران: شیرازه،
۱۳۷۸.

مجتهدزاده، پیروز. *بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان*. ترجمه
عباس احمدی. تهران: معین، ۱۳۸۶.

مجموعه قراردادهای، قراردادهای ایران و افغانستان و قراردادهای ایران و پاکستان. جزوه شماره ۳. وزارت امور خارجه. تهران: چاپ تابان، ۱۳۴۲.

محمودی، منوچهر. مروری بر سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

محمود، محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن ۱۹ ج ۳ و ۷. تهران: اقبال، ۱۳۷۸.

مخبر، محمدعلی. مرزهای ایران. تهران: چاپخانه کیهان، ۱۳۲۴.

مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد. سند شماره ۳۱۶۷۵/۱.

_____ سند شماره ۷/۷۲۲۱۳.

_____ سند شماره ۴۴۳۱.

_____ سند شماره ۱/۳۱۶۷۵.

_____ سند شماره ۵/۷۹۴۰.

_____ سند شماره ۸/۷۹۴۰.

_____ سند شماره ۸۲۴۴/۹-۸-۷.

_____ سند شماره ۸۲۴۴/۳.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، سال ۱۳۰۱، کارتن ۱۱، پرونده ۱۲/۱۵۸، سند ۱۱.

_____ سال ۱۳۰۳، کارتن ۷۶، پرونده، سند ۳.

_____ سال ۱۳۰۳، کارتن ۴۴، پرونده ۷۶، سند ۱/۳، ۴، ۱۷، ۱۵، ۱۱، ۵، ۹، ۴، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷.

_____ سال ۱۳۰۴، کارتن ۴۶، پرونده ۳۳، سند ۰۱۴.

_____ سال ۱۳۰۶، کارتن ۴۶، پرونده ۴۱۵، سند ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹.

_____ سال ۱۳۰۶، کارتن ۲۶، پرونده ۱۳، سند ۱۱.

_____ سال ۱۳۰۷، کارتن ۴۶، پرونده ۳۱، سند ۲/۳۴-۴۲-۶۰-۶۵-۶۶.

_____ سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۳۳/۱۱۹، سند ۳۰-۳۱.

_____ سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۵۵/۱۱۹، سند ۹.

_____ سال ۱۳۰۸، کارتن ۲۰، پرونده ۳/۱۱۹، سند ۴۶-۴۷.

_____ سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳، سند ۱۱۵، ۱۱۶.

_____ سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۶-۸۷.

_____ سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۱۸۰..

_____ سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۶-۸۷.

_____ سال ۱۳۰۹، کارتن ۱۸، پرونده ۳۳/۱۱۶، سند ۸۴.

_____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹۲.

_____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۱.

_____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹-۱۰.

_____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۱۶، پرونده ۶ سند ۳.

- _____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۹۲.
- _____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۴۷.
- _____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۳۹-۱۴۰.
- _____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۸۲.
- _____ سال ۱۳۱۳، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳، سند ۱۸۲.
- _____ سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳/۲، سند ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹.
- _____ سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳/۳، سند ۸-۹.
- _____ سال ۱۳۱۴، کارتن ۳۳، پرونده ۱۳/۱، سند ۹.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۱.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۴، سند ۲۷.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۵، سند ۲.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۳، سند ۶۵.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳، سند ۱۳.
- _____ سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳/۲، سند ۹۰.
- _____ سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۳، پرونده ۳۳/۳، سند ۱۲-۱۳.
- _____ سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۳، پرونده ۳۳/۳، سند ۱۵.
- _____ سال ۱۳۱۷، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳، سند ۸۱.
- _____ سال ۱۳۱۷، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳، سند ۸۲.
- معتمدی، رحمت‌الله (معتمدالوزاره). *از سیاه‌کوه تا دهانه ذوالفقار شرح گزارشات و وقایع مسافرت به سرحدات افغانستان و مطالعات از وضعیات قسمت‌های سرحدی، دی ۱۳۱۲-خرداد ۱۳۱۳*. تهران: شیرازه، ۱۳۹۰.
- مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. ج ۵. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. ج ۶. تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲.
- منصف، محمدعلی. *امیر شوکت‌الملک علم: امیر قائن*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- مهران، مجید. *در کریدورهای وزارت خارجه چه خبر؟ خاطرات یک دیپلمات قدیمی*. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۳.
- مهندسین مشاور فرپاک. *گزارش مرحله اول طرح تأمین و احداث شبکه آب مشروب کلیه قرای سیستان، کلیات و مشخصات عمومی*. ج اول. بی‌جا: وزارت بهداری؛ سازمان منطقه‌ای بهداری سیستان و بلوچستان مدیریت بهداشت محیط استان، ۱۳۶۹.
- میرحسین‌شاه. «اوگتای و ایالت جنوب غربی افغانستان». *آریانا*، سال شانزدهم، شماره هفتم (اول اسد ۱۳۳۷). ص ۴۹-۵۶.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. *تاریخ روابط خارجی ایران*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.

- هوگلاند، اریک ج. *زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰-۱۳۶۰*. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: شیرازه، ۱۳۸۱.
والی‌زاده، اسماعیل. *خاطره‌ها*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات، ۲۵۳۵ / ۱۳۵۵.
- وزارت اطلاعات و کلتور. *سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند*. کابل: نشریه اداره ارتباط عامه، ۱۳۵۲.
- وین، آنتونی. *ایران در بازی بزرگ*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۳.
- ییت، چارلز ادوارد. *سفرنامه خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری. تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵.
- Balland D. "political histoty." *Encyclopaedia Iranica*. Vol I. London: routledge, keganpaul. 1985. pp. 547-558.
- Burrell , R.M., *Iran political diaries1881-1965*, Vol 2, Archive editions, 1997.
- _____. *Iran political diaries1881-1965*, vol 1. Oxford ,Archive editions, 1997.
- Goldsmid, Frederick, *Eastern Persia, account of the journeys of the Persian boundary commission 1870-71-72*, vol 1:London: Macmillan,1876.
- Jalal , Ayesha. "Towards the Baghdad pact:south asia and middle east in the cold war,1947-1955," *The international history review*,XI, 3, August 1989.
- Landor, A. Henry. Savage. *Across coveted lands or a journey from flushing (Holland) to Calcutta. overland*. vol ii, London: Macmillan, 1902.
- Martel, Gordon, "Notes, documents, and bibliographies, documenting the great game: world policy and the turbulent frontier in the 1890s." *the international history review*, Vol II, 1980.
- Mcmahon, Henry. Recent survey and exploration in sistan, *the geographical journal*. No3. Vol XXVIII, September 1906.
- Milan I. Hauner. "Afghanistan between the great powers." *International journal Middle East studies*. Vol 14, 1982.
- Ramazani, Rouhollah k. *The foreign policy of Iran 1500-1941*. Virginia: university Press of Virginia, 1966.
- _____. *Irans foreign policy.1941-1973*. Virginia: university Press of Virginia, 1975.